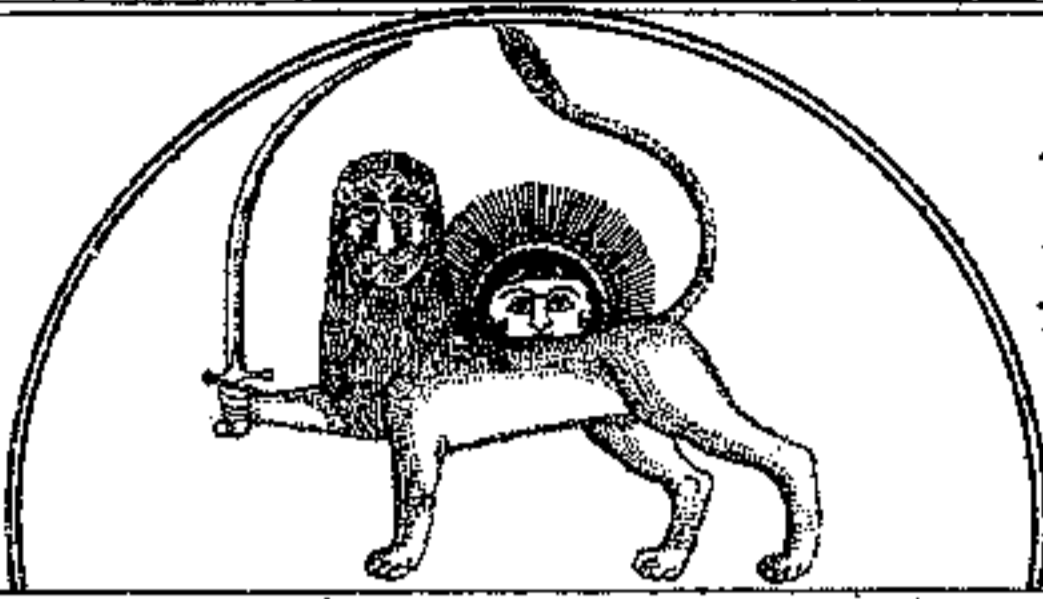


روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم جمعه بیست و یکم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷

نزد شاهزاده مس  
هر کس در طهران طالب نحو  
ازین روز تا ماه باشد در  
بازار و در کان میرسد کاظم  
فروش و حشره میشود



قیمت  
یک نخود و شش  
سه ماه شهر اردیبهشت  
شش ماه دو وزنه هزاره  
یک سال دو تومان چهار هزار

اجبار داخل ملک محروسه پادشاهی

اردوی مسایون

در یوم شنبه ماه ربیع الثانی پادشاهی پادشاهی در السلطه فرزند  
نزول اجبال فرمودند در روز شنبه ۱۸ از انجا که کتبی

دار الخلافه طهران

بعد از تشریف بردن موکب مسایون با ایکه قشون سواره پیاده  
زیاده از ده هزار نفر در دار الخلافه مبارکه مشایخ است  
و آرامی میباشند و بجهت عیبت و ذکر در کمال آسودگی مشغول  
هذنگذاری و دعای دوام دولت قاهره

کسانیکه نامور توقف دار الخلافه مبارکه میباشند هر روز چون  
ایامی که اعلیحضرت شاه مسایون تشریف داشتند در بار  
جهانگیری آیند چون معترب انخانان اجودان باشی قدری کسری  
داشت تجویز طبیب و رباع لا ازار منزل نموده عالیجنابان  
و محمدخان نایب اول اجودان باشی در اطاق نظام مستوفیان  
عظام و شکر زبان و در فرخان و عالیجاه میرزا عبد الغفار خان  
و میرزا عبد الرحیم فنی باشی در دیوانخانه و عالیجاه میرزا عبد الغفار خان  
برسبب کی امورات دول خارج هر یک در انجام خدمت موجود  
مشغول و در نظام و استقامت بجاری محکم رسیدگی میکنند

در ایام شاهزاده فرودس آرامگاه حکم شد که کتاب نظام نوشته شود  
و چونکه نواب کامیاب پیرزاده بهرام میرزا سالها در عهد و عهد طوبی  
در میان قشون نظام مشغول بوده و از تعلیم انگلیس و غیره مشغول نظامی  
و اگر چه در نزد کس عشان در نظام پیشتر بود با نشان رجوع شد  
و بعد بجهت شاهزاده میرزا موقوف شده بود تا درین ایام که  
همت اعلیحضرت شاهزاده و انسانی دولت علیه مصر و نظام  
ار قشون نظام است به نواب عظیم الیه حکم فرمودند که کتاب  
نویسند و حسب الامر کتاب مزبور با تمام رسانده موسوم نظام  
نمودند و چهار صد جلد از آن در دار الخلافه طهران طباع شده و اکثر  
از آنها در میان صاحبان مشغول تقسیم شده و باقی قسمت  
خواهد شد چونکه این کتاب بسیار موافق قاعده و دقت نوشته شده  
منفعت زیاده بجهت قشون نظامی خواهد داشت

از آب رودخانه در بند و شجرش اهل دار الخلافه از قدیم حق آب داشتند  
که هر وقت محتاج میشدند از نهر مشهور بحکم اباء آب بشهری او ریزند که  
رفع عسرت االی شهر میشد درین اوقات بجهت کم آبی اهل شهر در  
نوبت نواب شاهزاده بهرام میرزا و معترب انخانان اجودان با  
حکم کردند که موافق قرار و قدیم ده شب از روز آب مزبور را بشهر

پادشاه که سکه داران خلافت سیراب کردند و در روز چهارشنبه ۱۹ شهر  
رجب آب رودخانه قنبر حکم آباد شهر جاری کردید

در وقت گذشته سه شنبه اوچهارشنبه او و ساعت از ظهر که شنبه  
حصرخان بادی وزیدن گرفت که در پیرون شهر بعضی از کوه چادر  
خندگسته و از ریشه انداخت

در باب تعمیر خرابی برج و باره شهر که هر روز یک نفر بکاخ مخصوص  
گروش کرده خرابی آنجا را روزنامه میکند رتبه خرابی خرابی برج و باره  
به اجدان باشی اظهار شده چهار روزه المرام از معمار باشی گرفته شد  
که برج و باره شهر بکاخ خرابی داشته باشد تعمیر نموده ببت  
مسئولین شهر بسیار و دشوار این نبر نشاد علیه بجهت تعمیر گذاشته است

میراب قنات حاجی سرز علی رضا عارض شد که مجرای قنات مزبور  
دو نهر دارد که یکی بجله چالیدان و دیگری بجله عود لاجان میرود  
و هر مجله چال میدان حسرتی خرابی همسر سانه که اگر تعمیر نشود  
آب زیر برج امشاده خرابی در برج و باره شهر هم خواهد بود  
کارگزاران دولت عذر دارند که سکه و ریش سفیدان چالیدان  
از عهد حسرتی مخارج خرابی برآیند که آب بجله آنها برود  
و حسب الموعود مشغول تعمیر نموده

رجیم نام مشهور به دستاقان بعضی اسباب از دکان چالیدان  
افاجانی در زودیده بود حکم کارگزاران دولت علیه نزار چوب  
باور زده و غارت اموال حاجی افاجانی را از او گرفته شخص کرده

یک نفر زودیکر که در اوقات توخت حضرت امیر شایسته  
در مجله چالیدان گرفته بودند ببت کلانتر سپرده بودند که اموال  
مردم از او گرفته شود آنچه بختیست تخمیش شد چیزی از او بطور رسیده

نواب کاکیا شایسته برآمده بر امیر حکم نمودند که بسیار استی که سر او را  
بود رسانده و از شهر پیرون کردند

چهار نفر زودیکر که خدایان گرفته و بکاخ تر سپرده بودند رتبه  
نواب شایسته و اجدان باشی عرض شده حکم نمودند که فوج خرابی  
در میدان توپخانه حاضر شده و در روز انقطاع نظام از حاکم پیرون کردند

امورات قشونی

عالمجاه حضرت سلیمان میرنجه با فوج فراجه داعی و فوج بیات زرند  
و سواره و اچر لوی آذربایجان دعوات که در خارو و رامین سکینی  
دارند با چهار روزه نواب در چهارشنبه ۱۹ از داران خلافت روانه  
کرگان کردید

عالمجاه سیف الدخان سر کرده سواره شاهسون دوتیرن با  
هفتاد و هشتاد نفر سواره روز سه شنبه در اروا خراسان کردید

فوج بیات زرند که حسب محکم احضار شده بودند در روز یکشنبه  
شازده رسم وارد داران خلافت کردید و مامور کرگان شدند

تعمیر اجناس داران خلافت درین هفته ازین شهر است

کشمیر	لحم	بج	گاو	زغال
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

سیر	زرد قلم	اردو	کوب	پیه که اخت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

سیگار	بج	روغن	چای	تنگورده
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

قندازر	قهقهه	ایمر کلات	بابت	شکر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

شماره ۱۰  
تاریخ ۱۳۰۴  
محل ۱۰۰

### سایر ولایات

همه جا مطمئن و امن و آرام و رعایا و برابری آسوده خاطرند  
 دوام دولت قوی شوکت عظیمه مشغول اند و بشکر که از ری رفاه  
 یافتند و اقدام دارند خاصه ولایاتی که موبسیر و زری کوب  
 حضرت اقدس هدیه در آنجا با در حرکت میباشد که محرم  
 رعایا و مالی آن ولایت از توجیه و جو مبارک کمال مسرت و نشاطند

در روزنامه همدان نوشته بودند که در راه جمادی الثانی در  
 سرگردان آمدند و در آن چند نفر را بزنند کرده بودند و نقد  
 صد و پنجاه تومان جنس و نقد از آنها برده بودند صاحبان مال  
 نیز دو خان بابا خان نایب الحکومه آمده مراتب را اظهار کرده بود  
 شارالیه فی القور چند نفر سوار متعاقب آنها فرستاده و سواران  
 بدزدان رسیده بودند و در دماقدهری از اجناس سرود و بجهت  
 سکنی انداخته و فرار کرده بودند و سواران نیز آنها را تعاقب  
 کردند درین بین باد تشدی وزیده کرده و غبار سپار شده و  
 باران شدید میسم باریده بود و وقت هم گذشته تمام  
 و تا یک بود و در دماقدهری زده فرار کرده و سواران آنها  
 گم کرده بودند و محمد آدم قفحس و نجیبش آنها فرستاده اند

### اخبار دول خارجه

انگلیس تا بیخ کاغذ آخر که از لندن پای تحت این ولایت آمد  
 سیم جادی الثانی است و بنا داشته در آنجا شماری  
 خود اهل انگلیس را نمایند و فراری داده بودند که در خصوص این  
 وقت تمام شود این بود که چند وقت است که حلق را اعلام کرده  
 که در وقت معینی این سرشماری اجرائی شد بعد کاغذ چاپ کردند  
 و در کل مملکت انگلیس در هر خانه یکی ازین کاغذها دادند و مضمون

کامند این است که در شبی معین که تو از سر شماری خواهد بود صاحب  
 باید بنویسد که چند نفر در خانه او خوابیده اند و سن هر یک چه قدر است  
 و از چه قسم اشخاص اند و اگر کسی از اهل آن خانه در آنجا نباشد یا در سفر باشد  
 یا جای دیگر از اهرم باید بنویسد

سرچارلزنی پیر که سابقا این نظام کل عمل کردند و استان بود و در  
 خودش از این منصب استعفا نموده بود درین روزها وارد شهر لندن

اگر اجناس که از مالک خارج فرستاده بودند بجهت گذارنش در عمارت  
 بلور در پرون شهر لندن که خلق تماشا نمایند با آنجا رسیده بود و از  
 اجناس دولت پیشکی دنیای شمالی که در کشتی دولتی گذاشته بودند  
 وارد مملکت انگلیس شده بود و شهرت داشت که این پیشکی دنیای شمالی  
 که بعد از آنکه این اجناس مدتی در لندن ماند و فراری بگذازند که همه را  
 از آنجا بشهر نیویارک پیشکی دنیای شمالی ورنه بجهت گذارنش این اجناس  
 در شهر نیویارک چنانشان این است که این عمارت را که در شهر  
 لندن ساخته اند بخرند چونکه عمارت بلور را کلان از بلور و آهن و  
 چوب و چون و چوب ساخته اند کمان دارند که محل انعکس از ولایت  
 انگلیس تا نیویارک پیشکی دنیای شمالی گذاشته باشد

### فرانس

درین ولایت اینست بود اما بعضی انگلیسین که خیال بود ایکی ولایت  
 داشتند میخواستند اعراضش بر پانامند ولی نظم دولت  
 سخت بود که انگلیسین نتوانستند شرارت و فسادهای آنها بر نماهند

این امری سببک که موافق قاعده ارضی و ارض تاج و تخت  
 و اولاد لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه که پیش از دولت جمهوری  
 بود که کوهی شده بود که با اسم هم مصلحت نبود اولاد لوی فیلیپ

خود را کنار گذاشته کوشش و اندام بجاری سینک نمایند بلکه باز  
 سینک تاج و تخت آن مملکت رسیده سلطنت دوباره در آن  
 ولایت برقرار شود حال میگردند که در میان اینها اندک مغایرت  
 سردی ظاهر شده اولاد لوی قلیب گفته اند که اگر اهل فرانسه را نشان  
 باین فرار بچرخد که سلطنت باز دوباره در آن ولایت برقرار شود  
 آنوقت ما نیز مانند سایر اهل فرانسه خدمت و اطاعت پادشاه  
 آن عصر خواهیم کرد اما رای حشمت درین باب معلوم نشود ماکاری  
 نخواهیم کرد که باعث اغتشاش و ولایت خودمان بشود مازنی سینک  
 از کفار آنها پیش آمده است و گفته است که اگر پادشاهی برقرار  
 آوردند و قبول کردند باید بجان و دل و کوشش و غیرت تمام  
 خدمت نمایند و سعی میکنند که من باز بچرخم خودم برسم آنچه از پیش  
 فرانسه معلوم میشود در میان آنها اندک مغایرتی شده است که با  
 قوت دولت جمهوری و استقلال لوی نالیان پسر آن مملکت  
 شده است

۷۸

موسس بوده که ولطفا که از جانب دولت فرانسه مأمور به مأمول  
 شده است که در دولت علیه عثمانی و زیر محاربه از جانب فرانسه باشد  
 از شهر پاریس بیرون آمده است که بست شهر سیلیا آمده و  
 در آنجا کشتی دولتی سوار شده و بیجا مملکت ایلانیا و چند روز در راه  
 توقف خواهد کرد و بعد از آن روانه اسلابول می شود در شهر  
 سیلیا اهل آنجا جمع شده و بجنون ایلچی رفتند در خصوص  
 امورات خود عرض کرده اند که چون درین ایام وعده عهد نامه  
 مابین فرانسه و دولت علیه عثمانیه تمام میشود خواهش کرده اند  
 که مشارالیه کوشش نماید که در باب تجارت غنایر مجدداً متوجه شود

مدتی میشود که دولت فرانسه در آن سمت مغرب زمین که جزیره آ

بنامند پرتگال شده اند و بعد از گرفتن لیر عبد القادر که مدتی با  
 دولت فرانسه جنگ میکرد و حالا آن ولایت رو به نیت است و دولت  
 جمهوری فرانسه بسیار کوشش و سعی دارند که آن ولایت هم رو آباد  
 شود اما در سرحدات آنجا بعضی از قبایل اعراب آن ولایت نشسته اند  
 و گاه بگاه مجال باقیه در میان اهل آنکه که در تصرف دولت فرانسه است  
 تاخت و غارت می نمایند درین روزها بنا دارند که قشونی بآن سمت  
 بفرستند که قبایل مذکور را تنبیه نماید و رعایای خودشان در آن  
 سمت از صدمه تاخت و غارت آنها آسوده باشند درین باب  
 در مشورتهای پادشاهی تحت فرانسه گفتگوئی شده است و درین روزها  
 قشون بآن طرف از ولایت فرانسه روانه خواهند نمود

سایر ممالک فرنگستان

از روزنامه چاپی که در فرنگستان میزند معلوم میشود که در باب  
 گذارشش که وکلای پادشاهان در شهر درژون جمع شده اند  
 اندکی بحث و مغایرت مابین دولتین سهرتیه و پرستیه اتفاق  
 افتاده است ادعای دولت آستریه این است که باید چنان تسلط  
 داشته باشد که گویا آن دولت کوچک که حسب عهدنامه قدیم  
 دولت جداگانه بودند قدری از استقلال خواهند افتاد و دولت آستریه  
 در آنها مداخله خواهد داشت کم مانده بود که قواری در آن ممالک نشسته  
 شود اما در همین بحثها و کلام عطل شدند دولت سهرتیه از آن قواری  
 خود دستی کشید و دولت پرستیه در روی او سخت استیلا  
 کرده است و دولتین انگلیس و فرانسه حمایت بدول کوچک  
 میکنند در سایر فرنگستان اخباری نبود که قابل اظهار باشد

احوال است مفرقه

در روزنامه فرانسه نوشته اند که در اول بهار در کوهستان مملکت روسیه  
 مابین آن ولایت و نیشترین چند وقت رود می شد و چند نفر در این قله نشسته بودند

در تاریخ هفتم ماه جمادی الاول آتش میان شهر شام بر لیلین بانی  
 پر رفته افتاده ابتدای آتش سه ساعت از شب رفته بوده است  
 و هیچکس نمیدانند که آتش از کجا ببارت مبرور افتاده و کجا بکینند  
 یکی از لولهای بخار و غالی سنگی که در فرنگستان عرض چرخ میسوز  
 ترکیده و بخار میان اطاق پروان فرستاده و آتش گرفته است و سوزخانه  
 مزبور سوخته است و در آنوقت باو شدت نداشته است و الاغ  
 و لیله آن سنگ و عبارات بزرگ که در آن نزدیکها بودند میسوزند

وزرای پاپی رومیه دارند که قشون از اهل دول خارج بجهت پاپ بخرند  
 که قشون اولایت اکثرشان از محصل دول خارج باشند و از  
 اولایت نباشند و از ولایات اسپانیول و انگلیس و سیسیل قشون خوا  
 گرفت سوار و توپخانه باید کلا از اهل خارج باشند اما نظام پاپ و  
 از اهل رومیه میگردند و سایر اهل دول خارج باید باشند و میگویند که  
 اگر این قرار بشود وضع دولت رومیه گمراه شود بلکه نزدیک یک کر در  
 سال اخراجاتان تفاوت کرده کمتر از مخارج سابق خواهد شد

در میان اجناسی که بجهت تماشای خان بعمارت بلور پروان شمس ردن  
 فرستاده اند شخصی نقش ساخته و با آنجا فرستاده است که قشون  
 چیزی کم است و در شش نبرد و شغال کمر است لعنک چاشنی و اریک لولا  
 و چاقش بطلح تازه که در لعنکهای بزرگ این ایام بسیارند ساخته  
 و پر میکنند و می اندازند و قذاق اوسم از چوب حیات است و لولا  
 از نفول چیده ساخته شده و همی با لبش خوب درست شده است  
 در ساختن از همه شکر تریاچاق اوست چونکه چاق لعنک پاره  
 پارچه است یعنی از پارچه های این چاق چنان کوچک و ریزه ساخته شده

که تماشای آن بی ذره من شکل است و در مدنی شود لعنک صاحب در دست  
 چند نغمه است کار این جدا کار آن اما این لعنک با همه اسبابش کنگر  
 که اسم او گرفتار است و در یکی از نصبهای انگلیس که در تبریزی  
 ساکن میباشد

در ایام ناخوشی و با اهل هفت جزایر یونان که در حمایت دولت انگلیس  
 سپار سفر شده اند از آنچه که زیاد مردم فوت شده و مانوس  
 شده ماند و ما نشان لغت شده است خصوص در جزیره مغلوبترین که  
 مدتی است ناخوشی و با از آنجا فرغ شده است اما رعایای آنجا چنان  
 بی چیز شده و از کار افتاده اند که سپار سخی و کرسنگی می کشند و بجهت  
 رفع تکلیف و پریشانی آنها از سایر جزایر آنجا پول جمع کرده و بجهت  
 مزبور فرستاده اند و چون کفایت نکرده است بناد دارند که از دولت  
 انگلیس نیز خواهی جمع کرده بجهت آنها روانه نمایند و خود پادشاه و  
 در پیش البیضا اول درین کار خیر و ثواب بجهت رفع حلق اقدام کرده  
 و پول زیاد داده اند و خوانین و سایر اهل انگلیس هم پول خواسته

در روزنامه جدیده الحوادث که در استانبول تبرکی چاپ میزند  
 نوشته اند که پادشاه پروسیه بجهت امپراطور روس یک قطعه  
 مربع فرستاده است که یک لبون ریال که نزدیک یک کر پول  
 ایران است قیمت نشان مبرور است و دو دانسنگ الماس در میان  
 نصب بوده که دو دست هزار ریال که در صد هزار تومان پول ایران  
 قیمت آن سنگهاست

و هم در جزیره الحوادث از عجایب اتفاقات نوشته اند که بازه  
 سال قبل این بجهت تشریح و تشخیص طبایع انسانی طبیبی فرستاد  
 در شهر استرزد غار دارد و بویان آنجا مسند می شده بوده است  
 که هر چه از معقورین را که باری می آید بجهت و سیاست کرده اند حجت آورد

بطلب فروردین بند که تشریح نماید شخصی مقصود را که بدارشیده بوده اند  
 بعد از قطع نفس و تبین کتبخس حبه او را بان طلبت داده اند و در دوش  
 حال بخانه خود آورده و در محلی گذاشته میخواهد او را تشریح نماید بطلب  
 سر او نشتر زده درین اشاعتی برای طلبت رویه و بجهت آن چشم بقدر  
 نیم ساعت پرده میزد و بان جای سر این مصلوب که نشتر زده بوده است  
 خون بجزی بسرسانده قری خون آمده و زنده شده و نیز است  
 که چگونه شده و متعجب و مبهور بوده بعد از آنکه طلبت چشم خود را  
 به سر زده و بخانه مراجعت نموده شخص مصلوبت زنده یافته و گفته بود  
 که چون تو مقصود بودی اگر پرده بر روی دیوانیان ترا باز کرده بود  
 خوانند کشید آن شخص مدتی در خانه آن طلبت میماند بعد از  
 چندی طلبت را بسرا خود به سباحت لولای کلیس برده و در آنجا  
 شدت یافته بود که این شخص بعد از مصلوب شدن اینطور زنده شده است  
 و از بابت شوخی و سخوکی کاهی تن در بریده و او را از گردن در پیر  
 بار می کشیده اند و خود می شده و بعد از آنکه بخود می آمد شهادت  
 عالم در پیشی رسان سیکرده و ریسانی می انداخته اند که یکسرا در بار می  
 و سر در کرسیمان را گرفته از پای این می آمده است تا یک روزی در  
 منزل طلبت فروردین طرد و بخت برده است و طلبت سبب سبب  
 پرده رفته بوده است این شخص سبب ریسانی در نزد خود پنهان  
 در بر سینه در سر ریسان را گرفته پنهان آمده و با قضای فطرت  
 خجاست جیبی هر چه نفوذ و اموال که در منزل حکیم فروردین بوده است  
 و سبب فرانسه فرار کرده بود در رفیق و بکر آن حکیم که این کیفیت  
 بدیوانیان آنجا اظهار و آنها از دست خانه چا پار لبر انسه  
 نموده در پارسی پای تخت فرانسه او را گرفته و فرستاده بودند  
 و بکر از زنده سستان نوشته اند که در شهر رانفون پس افتاده

۸۰

و بقدر دوسه هزار خانه و جنسی دکان و کمرک خانه و قایقها و  
 کشتیهای بندگنار شهر فروردین کشتی گرفته و ضرر بسیار به اهل آنجا رسیده  
 و در محل کمرک بار و طرزیاد بوده است که آتش گرفته بعضی از عمارات  
 و بناها و نرسینهای آن اطراف راهها افکنده و خراب نموده و  
 از مردم شهر فروردین بسیاری درین حادثه تلف گردیده اند

هم در روزنامه جدیده الحوادث اسمبول نوشته اند که در جزیره  
 رودس زلزله چندتند آمده و مالی آنجا بخت قطع نشدن  
 و متوالی بودن زلزله در پرونجا و صحرانچا در زنده اند و از طرف  
 دولت وجهی بجهت اعانه و تلافی خسارت آنها اعطا شده و در  
 پن شدت زلزله کوچی که در آن زلزله بوده است شکاف شده  
 و آتش و ده و از او سردن آمده و بین منزل آتش در کوه فروردین  
 علی الاطلاق دارد که یکی از کوههای سوزنده دنیا که تازه ظاهر شده

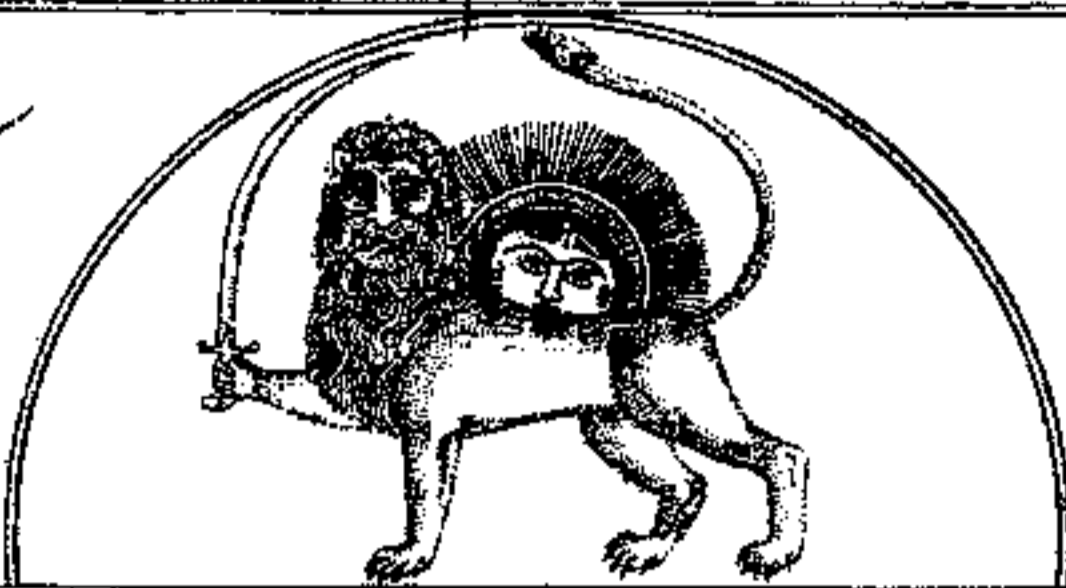
شهرده میشود

سابقا از پارسی پای تخت فرانسه تا شهر لیون راه این سبب کاسک  
 سبب بنا که داشته و بجهت اینکه بنجار فرانسه بقدر کفایت راه فروردین  
 وجه مخارج جمع و کار سازی کرده بودند راه فروردین تمام مانده بود  
 در این اوقات از بنجار انگلیس جمعی سبب سبب تمام راه فروردین سبب  
 جمع نموده و فرار کرده اند که بعد از اتمام این راه منافع خواهی که  
 هر یک به قدر صرف کرده باشند از فرار صد وجه بضمات نرس  
 جمهور مملکت فرانسه بانها عاید کرد

و بکر راههای این چون در ولایت انگلیس را بکار برده شده است  
 و عبور مردم بسهولت و آسانی دست مسیده و بجهت کاسک سبب  
 رود میروند و مانند سابق طول می کشد بعضی از باب مسیاج اند  
 ولایت فرانسه بان ولایت سبب و کوشش از شهر فروردین

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۲۹۲

نزد هفتم  
هر کس در طهران طالب نسخه  
این روزنامه باشد باید  
در دوکان میر سید کاظم  
بجو فروشش فرزند شهباز



بیت  
یک نخل و ده شاسه  
سه ماه شش هزار دینار  
شش ماه و دوازده هزار دینار  
یک سال دو تومان و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوئی همایون

چنانچه در روزنامه معتد گذشته نوشته شده موکب سیروزی کوکب  
اعلیحضرت پادشاهی در روز شنبه ۸ ماه رجب المرجب بقرون  
زول اجلال فرموده اند و اهل شهر از اعیان و اشراف و علماء و سادات  
و دینی و شریف با کمال شوق و شغف پیشواز آمده بودند و تمام  
حلق خاصه که سجدی از توفیق موکب همایون در قرون شاکر بوده  
که از آگری که شنیده شده قلباً راضی نبوده اند که موکب پادشاهی از  
قرون حرکت فرمایند زیرا که در نظام و آرای قون ایستاده است  
که تندی بجای میشود و در معالایست هم منافع کلی اهل این بلاد رسید  
لکن در یوم سه شنبه ۱۱ از آنجا تشریف فرمای صحنه عراق شدند  
مقتب الخاقان حاجی علیخان قزلباشی و زحمت مخدوم خود بکفایت  
و صداقت اقدام نموده و خدمت شریف قبول و مستحق خاطر اعلیحضرت پادشاهی  
و اولیای دولت قاهره افتاده علاوه بر منصب پادشاهی که در  
دیوانی کل ممالک محروسه را با و اقرار کردند که مستحق و سزاوار  
و سزاوار یک انعامات که لازم است همین نماید و عمارت دیوانی  
که آثار شوکت این دولت علیه است همیشه پاکیزه نگاه دارند و تمسک

فراتس با شیان حکام و فرماندان ممالک محروسه نیز نموده  
شارالیه محول گردیده که غزل و نصب آنجا نیز نموده او محول باشد  
و فرمان همایون بجهت این دو منصب با شیارالیه محتمل شده  
عالیجاه افغان که بر سببی سواره ایلات قرون منصوب شده بود  
در روز دوشنبه ۱۰ ماه رجب همایون هزار و پانصد نفر سواره باشکوه تمام  
با استقبال آورده و بعد از آن جسم دور و اولیای دولت  
علیه سان بدقت تمام دیدند هر طایفه را از سواره بیک رنگ لباس  
ترتیب داده بود که هر طایفه از لباسان معلوم و متمایز بود و صحیح  
اسبهای این هزار و پانصد نفر داغ کرده و خوب بود و هر طایفه را  
به اسم همان طایفه داغ کرده بودند و خوب و زیاده نظر آمدند  
نوج خیم ایلات قزاق و اعیان سواره ایلات قزاق و اولیای  
یک منزل بقرون مانده بارودی همایون محقق شده و ایشان  
اعلیحضرت پادشاهی گذشته و از آنجا با غایب جعفر علیخان قزاق  
میر خیم سوار سادات سوار آباد و کرگان شده و بدار اخلان  
آمده سینه نفر سواره شیارالیه بجای عالیجاه سلیمان خان را

با فوج بیات ز زند و اخلاص فشار و سواره قزاق و لوی عراق و آذربایجان  
بر داشت تصفحات کرگان روایت

که کسی باین جهتیاید که متعرض باشد

دارا کتلا فطهران

فوج جدیدی که عالیجاه جعفر قلیخان مرتب کرده بود با صاحب منصبان  
فوج سیم در روز چهارشنبه و از دهم با آراستگی و شکوه تمام  
وارد قزوین شدند و در پنجشنبه بیضا و لیبای دولت علیه رسیدند  
چونان خوب نشید گرفته شده است و قرار شده که تا شریف فرمانی  
موجب جابون در قزوین آنها هم در آنجا باشند و بعد از آن وقت  
سود از قزوین آنها هم بجهت قزاقی و شوق بدار کتلا فطهران بیاید  
و حسب حکم چند روز است که وارد شده اند

فوج بیات ز زند که در غنچه گذشته نوشته شده بود که مامور کرگان  
درین غنچه روانه شدند

فوج اخلاص فشار نیز بدار کتلا فطهران که آمده در یوم دوشنبه  
سه شنبه موجب آنها داده شده مامور کرگان شدند

در باب بارکش نازند رانی و لاری چکانی و لولاسانی و سیرانی و سایر  
و خوش دار کتلا فطهران که همیشه بار برنج و ذغال و غیره می آوردند باعث ارزانی

اجناس و دار کتلا فطهران می شد چون کاهی اوقات دیوان خیمه حمل و نقل  
و غیره مالهای آنها را می گرفتند با اینکه گرایست از سایرین میدادند با  
موجب توهم آنها شده چندی بار شکر آوردن از قزوین بگردان کرگان  
در اجناس هم میرسد مراتب بکار که از آن دولت علیه عرض شد بمقررت

اجودان باشی حکم نظامی دادند که احدی از دیوان خیمه حمل و نقل  
و غیره متعرض این اشخاص نشوند و حکم مزبور باید بر دار نامی شهر رسانند  
قدغن نوزند و باین سبب برنج و ذغال و غیره که چند روز کرگان شدند  
باز شل اول ارزان کردید

بسیار آلهای شهر طهران چونکه در تابستانها خالی از آب میماند و مردم  
و کسافات غیره با آنجا میسر شدند و در وقت بسن آب بجهت گرفتن  
آب کسب و بیخ ناصاف می شد و در زمستان هم که آب در آنجا بود کارخانه  
بجهت شش کردن و رجوع اطفال با پاک میشد عالیجاه محمود خان کلانتر  
کرد که در دو رنج چالهای شهر دیوار بکشند که مانند بن بنا شده  
از اهل طهران کشیدن دیوارهای مزبور شد و گفتند که شایع عام در اهل  
حکایت نچال می شود شایع از دیوار تا دیوار که چه بچه شایع  
معین نموده که حق عبور منوط شود و بعد از وضع شایع عام دیوار در نچالها

فوج جدیدی که حکم شده بود از افتخار بر کشتوی قزوین گرفته شود در روز  
ورود مرکب جابون به استقبال آمده بودند و از نظر جابون گذشته  
مقبول و شکران افشادند

فوج جدیدی که مانع گرفته شده بود با علیستغلی خان سرمنگ روز  
ورود مرکب همایون بقزوین وارد شده و از نظر اعلیحضرت پادشاه  
و اولیای دولت علیه گذشته و قرار بر این شد که تا دو ماه در قزوین  
توقف داشته و سوارات بگیرند و مشغول مشورت باشند

بعد از آنکه نواب سیف الله میرزا بحکومت همدان منصوب گردیده بود  
بعضی ارباب ناد و بجاج از راه غناد اشتباه با و عرض کرده بودند  
که حاجی غلامحسین شیخ جماعت و تابع هدای مصلحتی بخدمت مزبور  
اجتاف و زیادتی کرده است نواب سسری الیه بجهت عدم بدیت او را  
گرفته و چهار صد و پنجاه تومان از او تنگ گرفته بودند حاجی غلامحسین  
بعضی امنای دولت علیه رسانده آنها را بر کاب جابون پادشاهی  
نموده و در توقف قزوین و لیبای دولت علیه بجهت امور ایشان  
گردد معلوم شد که با سستبانه این عمل ناشی شدن است تنگ مزبور را از  
کسان نواب سیف الله نیز گرفته حاجی غلامحسین رو کردند و حکم دادند



سایر ولایات

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند در روز جمعه یکم جمادی الثانی روزه استاد اسماعیل نام تجار عمارات دیوانی نوشته شده و در آن نامه احمد مجلس فاضل خوانی داشته اند تا گاه طایف اطلاق بکرتبه بر سر آن جمعیت خراب شده ولی از فضل عدلی کسی طاعت نکردند و در آن شب شش ماهه در زیر آوار مانده نوشته شده است

هم در روزنامه اصفهان نوشته اند که در محله بیدآب مجلس شریعت و هرزگی بوده است و در روی مهنای نشسته بوده اند ساعت از شب گذشته یک نفر شاگرد قضایی در آن بیان بوده است بختیگر بود و شخصی دیگر مانع او شده و دستنی بسیناش زده که عقب بود از مهنای پانین افتاده و فی الفور مرده است که خدی محمد خیر دار شده یکی از مجلس را گرفته بنزد علیچاه چرخعلی خان برده و عالیچاه را به تبییم طبعی بجمع آنها نموده و در حبس دارد تا بعد از این قاتل بر حسب فصاص شود

نواب نصره الدوله قزوین صاحب اختیار فارس از بندر بوشهر بسیراز معاودت نموده اند از قراریکه نوشته بودند در سیراز باز اسال هم ملخ خوارکی بهم رسیده است لکن از فضیلات الهی مرغ سفید سپاری بهم رسیده که دیده اند ملخ را سپاری کشد و طعن می کند و از قراریکه نوشته اند امید داری هست که این مرغهای سفید سال ملخ را تمام کنند و رفع این ساسخ از آن مملکت بشود

از خوارق عادت که بجزه حصرت معصوم علیها و علی آبانها المحصون الف الشاء والتجید ولات دارد این است که در روزنامه قم نوشته بودند که در روز اول ماه جب طرف عصر کیاعت بجزوبانده

از بالای قبه روضه شوره سفیدی روشن مانده نور سخی بود به نوعی که در روز روشن با شعاع اشباح او نمایان و بطرف آسمان متصاعد بود و تا مدت طریقی بید این نور نمایان بود

علی آقای شکاک که از جمله اشرا و ولایت اردوی بود در صورت تمام شدن بواسطه ارتکاب هرزگی و دزدی و شترت او امر آن سرحد نظم خود و مدتی بود که حکام اردوی بهر نحو که میخواستند او را بیای تزارع و معذ به اردوی پا در زند یا شترت و هرزگی او در آن سرحد بر طرف نشود تا بدست می آید و نه شترانش موقوف می شد و نواب مصطفی قاسمی حاکم اردوی نیز درین اوقات بر حسب امر اولیای دولت قاهره در آنجا و خوشی هر چه نوشته و آدم فرستاد که به اردوی آمده قرار می کرد که داشته شود که امر آن سرحد مختل فاسد نباشد چاره پذیرند بعد یکدسته سرباز و یک نفر سلطان فرستادند که شاید بی منازعه و محاربه بیاید نیاید بلکه جمعیتی از غنیمت خود جمع آوری کرد و بی محاربه و متاع نگذاشت و در مقابل او و نفریم از سربازان کشته شده

عالیچاه عسکر خان بجزه استماع این خبر بکفوح افشار با آمد و بجای نظر سواره برداشته رفتند او را محصور نمودند و حصان قلعه با جلودار و داعی نکرده خود و اتباعش را با التمام دستگیر نمودند چند نفر از که قاتل آن دو نفر سرباز و شترت را از سربازین بوده اند نواب مصطفی قاسمی حکم تقبل آنها نموده بسیاری خود رسانند و علی قارا با و ده نفر از اتباعش بکفوح جدید فشار سپرده برکاب تابون روانه ساختند

در روزنامه تبریز نوشته اند در مدینه سفیدی از اهل عراقی تصفح آینه را با خوارق چنان ترتیب کرده که تیر با و کار میکند و کار بجز خردن با و از یکدیگر با شمشیر برین و مدتی این است که ازین اجزایه میارند که کار کند تا آب چشمش آلوده او را تبریز خواسته اند که از اهل او حصار حاصل نماید و خیر این هم بکفوح خوارق سپاردند

### اخبار دول خارجی

انگلیس تا پنج روزنامه که از این ولایت آمده بود ششم جهادی بود درین ولایت تازه اتفاقی نیفتاده است که قابل نوشتن باشد  
 کو اینک چند سال پیش ازین اردیوان قرار شده بود که اجناس آن  
 قبیل جو و گندم و غیره بی کمرگ داخل ولایت بشود و بسبب این قرار  
 اکثر زراعت کاران ولایت انگلیس بسیار تضرر شده اند خصوص در  
 ولایت آرتند که سابقا دادوستد زیاد داشتند در آرد و گل  
 آذوقه و خوراکی و حال نیستند این اجناس ابعاب اجناسی که اند  
 دول خارجی آید بفرودش برسانند درین خصوص اهل آرتند و اکثر  
 زارعین ولایت انگلیس بدولت عارض شده اند و امید دارند که از  
 شورخانه دیگر از وکیل رعایا جمیع بودقاری در امورات آنها گذارند  
 شود که رفع ضرر آنها شده چندان خسارت درین باب نگنشدند

### فرانسه

تا پنج کاغذ آخر که از آن ولایت آمده بود هشتم جهادی الثانی بود و از  
 فرار روزنامه آن ولایت معلوم میشود که لوی ناپلیان رئیس جمهوری در  
 فرانسه چونکه به تدریس و سلمک و وائندی و عاقلی راه سیرت اکثر  
 اهل فرانسه از او راضی بودند مگر الواط و مقصدین که از دولت خود چو  
 راضی نیستند و او را طالب شکامه و اشوب و اغشاش پندارند  
 درین ولایت و زراعت زمین شده اند چنانچه در چند وقت پیش ازین  
 در روزنامه نوشته شده چند نفر زراعت امور شده بودند که امورات  
 دولتی مفضل مانند اوستیک و زرای دیگر که دانی باید باشند  
 وزیر جاسبه ازین سبب پول خواست است که معین بکنند نتیجه  
 بیمارخانه و دو خانها بجهت غل و این مبلغ را هم معین کرده اند

### سایر ممالک فرنگستان

از مملکت هند بعد از آنکه در روزنامه هفت گزیده نوشته شده خبری  
 تازه نیست در ولایت ایتالیا و سینه رزدان که ویکی از  
 ولایت انقدر اموال از مردم بزور اخذ کرده بودند کم مانده بود  
 همه متفرق یا کشته شدند قشون استریت و روم در پیدمانت عقب  
 این درزدان رفتند و امید داشتند که همه اوستیک را بکشند

### نماینده

بزرگان مقصدین فرنگستان که چند سال پیش ازین در آرد و گل  
 فرنگستان اغشاش کرده و تاج و تخت آن ممالک را برسم زود  
 بودند تا بعد از جنگ و خوزیزی زیاد که باز پادشاهان استقلال  
 بهم رسانند و سلطنتشان برقرار شد حال گریخته و در کفر روی  
 دنیا متفرق شدند خصوص بملکتین انگلیس و روسیه که اکثری این دو  
 دولت پناه آورده اند خلق خشن خیال داشتند که درین فصل بهای  
 بنیاد داشتند که در بعضی ولایات فرنگستان باز آشوب خوزرا  
 برپا نمایند اما چونکه نظام دول فرنگستان سخت شده است  
 نتوانستند عمل خود را از پیش ببرند و اظهار مافی البصر خود را نمایند

در روزنامه شهر میلان پای تخت مملکت پدماش نوشته اند  
 که در شش روز پیش که سردار کل قشون استریت در ممالک ایتالیا  
 اعلام کرده بود که هر کس که بفرستد درین روز مراد و صحبت داشته  
 باشد یا هر کس که نوشتجات این مقصدین را در میان خلق قسمت  
 نماید که منظور او باز اغشاش و آشوب درین ولایات باشد  
 بعد از ثابت شدن تقصیر کشته خواهد شد در کس که مقصدین ازین  
 رزاد در آید که با منای دولت اظهار کرده باشد محبوس خواهد کردید

### احوال متفرقه

بعضی از صاحب منصبان کشتی انگلیس که به بحر مغرب فرستاده اند به عقب آنها که چند سال پیش ازین با بخار فرقه اند و از آنها اثری نیست و در خصوص مایه که از آن دریای آورند و از شدت سرمای القویخ می بندد بطور غریب نوشته اند که یک کشتی از آن دریای آورده و وقت حاجت که در کان کردند که مرد است و سخت شده بود مانند سنگ شکرش را پاره کرده در میان آب گذاشتند که بشوید و بخش باز شد و دیدند که بجزکت آمد و بعد از حرکت زیاد مردی بجهت امتحان مایه دیگر که بچ بسته بود و شکرش را پاره نکرده بود و در میان آب گذاشتند بعد از آنکه بخش آب بجزکت درآمد و نموده بود

از مرد و پای تخت اسپانول نوشته اند که بنا دارند که در جزیره و نزد پادشاهی که سیفر کبیر و شته باشند تا مورت آنها را فرو نموده در عوضشان در زای مختار بفرستند و این قرار را میگردانند بجهت کم کردن مخارج دولتی و اگر این قرار داده شود ایلیچان کن شته لندن و پاریس درین روزها عرض خواهند

یکی از خوانین هند که نام او دودک دیو بر نزدیک است و دولت که ساکن ولایت انگلیس است در این روزها از انگلیس فرستاده در جوانی که بلون میسما مندر فانت از شهر لندن بالارده و سه ماهه سیزده ماهه و از آن کورتها که آمده اند بجهت اجبار کاخ به بالشان بسته پرواز میمند و مقصد میرد و برده بود و قشیک بالار با مخالف و زید و پنج فرسخ اطراف شهر لندن پان آمده بود و بلون کتار و دریا برده و چند روز دیگر از آنجا به وقت قشیک هوا ملایم بود با دم داشت بالارفت و از دریا که در آنجا آمده فرسخ مابین انگلیس و فرانسه گذشته و در مملکت فرانسه پان آمده و قشیک نزدیک بود

فرانسه رسیده بود بلون خشتی بزین نزدیک شده و یک طاب از او آویخته بود و دو نفر در کنار دریا ایستاده بودند دیدند که بلون می آید به طاب چسپند که بگیرند و نفیضند که زور بلون هر دو را از زمین بلند میکنند و قشیک به طاب چسپند بلون هر دو را از زمین کنده چند بار بروی سم غلطیده و بزین افتادند و این بلون چنانچ فرسخ میان ولایت فرانسه رفته و در آنجا از هوا سرازیر شده و بزین آمد بود

در وقت که در هندوستان بنا دارند که راه آهن بسازند و هنوز قاری و زمین با نشده است که تمام نامه نامه در یکی از روزها ملاحظه اند که مورخان راه آهن از برای این مملکت زود است چونکه هنوز راه پنجه زود عرابه و بارکش و در سپار جانان خاند حساب کرده اند که قاطعه از وسط هندوستان بکنار دریا بمبالی می آید نزدیک به چهار کردگا و در هر سالی بارشود و اینها از کوه کاسیکه رند و اجناس از وسط مملکت هند بکنار دریای آرنند و این چهار کردگا در نزدیک است هزار بار پسته است و مابقی اجناس دیگر بعضی اوقات زود این کوهها بسیار شکست گاهی بسبب در موسم باران و گاهی بسبب کم آبی خشکی در فصل گرما که تشکیل میکند و این کا و اسپارنی تلف می شود گاهی هم ناخوشی میان کا و مای افتد که هزاره از تلف میگردند و چون خدمت آنها ناخوشیهای دیگر در میان این حدت میکند بعضی از اهل انگلیس میگویند شده اند که تجارت بطوریکه باید درین ولایت زیاد باشد هنوز نشده است و علاج اینجمله را در ساحل راهها میگویند خصوصاً راهانی که از کوهستان کاتسیکه رند و جایی حاصل خیز است در وسط مملکت است که حاصل از آنجا بکنار مملکت باید بیاید

شهر فرنگیست که در کلی فاریناست همه را در دو سال آباد کرده اند و دو سال

پیش ازین ششفت خانه کلی در آنجا بود و حال کویها و خانهای بزرگی  
 و انبارهای تجارت همه در آنجا است بسیار چشم انداز خوب دارد  
 و از ترکش معلوم میشود که بچند ساخته شده است بعضی خانهها را  
 از آنجا ساخته اند بازیت تمام و بعضی را از چوب ساخته اند و چنان جلوه  
 ساخته اند که در حلقه است حکامی در او نشسته و اگر یک مرد در روز و یک  
 بزندی افتد در کنار دریا سکونته اند که گشتههای باستانی که  
 با آنجا می آیند بتوانند بکنار بیایند و بار خود را در روی سکو بگذارند  
 خیلی از گشتهها کناری دریا آورده و در آنجا قایم و استوار کرده اند  
 که در عرض انبارها تجارتی و شیمی و غیره بکار بسیار و هر روز  
 خانهای دیگر تان میسازند و کسانیکه این خانها را میسازند از کراه  
 آنجا بسیار منفعت میسر در بعضی کویها موسم باران چنان کل می شود  
 که از برای آب و آدم اگر برده و توشش غرق شدن است و کویها  
 که بهتر ازین کویها ساخته اند با تخته چوب فرش کرده اند و  
 زیر آن تخته ای ممبرش آب کویها را گذاشته اند که از شهر بیرون  
 برود و قسم خانه در آنجا بسیار ساخته اند یکی میخانه که اغلب  
 بجهت غذا خوردن با آنجا بسج میزند و در خانهای خود چینی  
 و یکی هم قمارخانه و آنها که قمار خانها را ساخته و صاحبان  
 قمارخانهها هستند بسیار منفعت میکنند علی الخصوص از معدنیها که قمار  
 طلا از معدن آنجا در آورده و با کلبه های خاک طلا بان شهر راجت  
 کرده اند قمار بازی زیاد درین قمارخانهها میکنند بسیار اتفاق  
 می افتد که معدنیها که چند ماه در مسادن و کوستان آنجا راجت و  
 صعوبت و سختیهای زیاد کشید و چند کلبه خاک طلا پست آوردند  
 و مشتقهای بسیار صحیح کرده اند و چند ساعت همه را بکار میزنند  
 و بعد از آن دوباره بطرف مسادن بزور راجت میسازند و درین  
 شهر از کسان مختلف از هر ملک و هر طرف روی زمین هستند

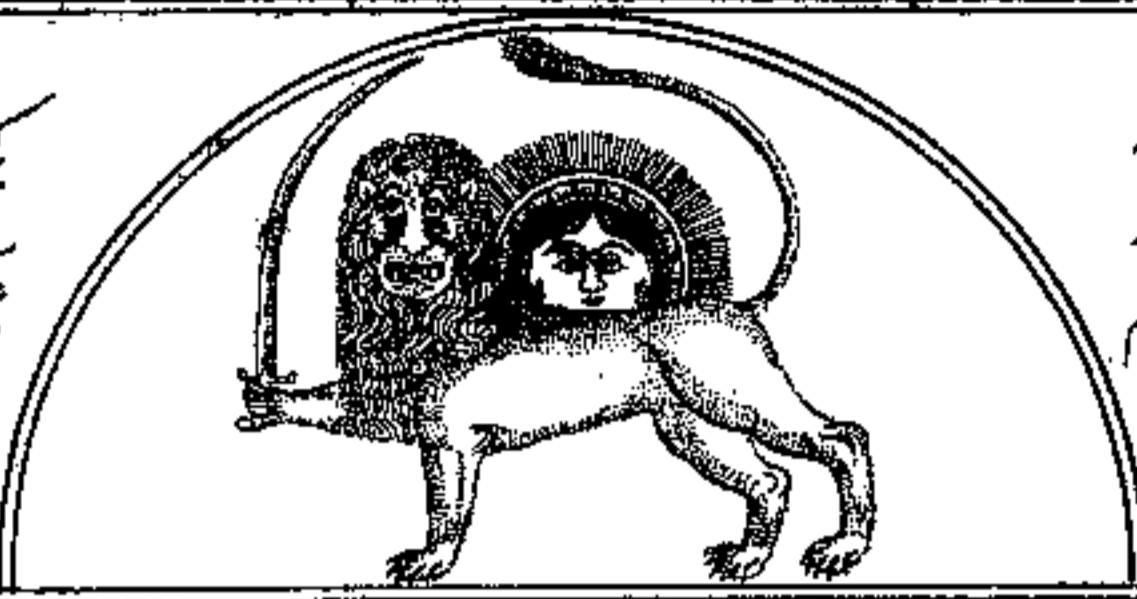
۸۶

و از اهل چین هم درین شهر بسیارند و بجهت طلای زیاد که در آنجا  
 پیدا شده و شهرت یافت است از همه اطراف عالم خستنی با آنجا می  
 شده اند قمار خانها را بسیار با زینت و آراستگی ساخته اند  
 و میان اطاقها را از بزمندی و نقاشی کرده اند و این عمل قمار بازی  
 در آنجا از دیوان منع نیست دیگر چه که اگر خانهای این شهر از چوب  
 ساخته شده است آتش بسیار این خانها بسیار می افتد درین  
 روزها یک خانه که صد هزار دلار که معادل پست و چهار هزار تومان  
 پول ایرانست قیمت او بوده و سه بار پیش ازین هم خدای آتش گرفته  
 و سوخته بوده است باز مجدداً آتش گرفته است صاحب این خانه  
 و صاحبان چند خانهای دیگر وقتی که تازه با آنجا آمده بودند یک  
 پول سیاه نداشته و بسیار بی چیزی بودند درین اند که بدت  
 اینطور صاحبان دیگر گشته شده اند در قمار خانها بسیار جنگ  
 و نزاع در میان مردم اتفاق می افتد و بیشترشان حربه بانی  
 که دارند طلب آنچه شش لوله و کار داشت و بسیار اتفاق می افتد  
 که کسی در قمارخانه گشته میشود آنها که مشغول قمار بازی هستند  
 بر میخیزند و آن گشته را بیرون برده و نقش را بر زودی و من میزند  
 و بر گشته باز مشغول قمار بازی میشوند و چند آن گشته در میان  
 وقتی ندارد

از گشتههای تجارتی فرانسه یک کشتی بزرگ از لشکرگاه شهر توره  
 کناره ملک فرانسه بطرف کلی فارینا روانه بوده است که از راه شهر  
 ریو بایر و برود ناگاه در لشکرگاه جبهه خانه کشتی بزور آتش گرفتند  
 و کشتی را برنگازده غرق کرده بود از جمعیتی که در آن کشتی نشسته  
 بودند اغلب آنها خودشان از آنجکی سلامت در آورده بودند  
 و بعضی هم تلف شدند و بعضی هم مجروح و زخمی گردیده بودند که  
 معلوم نبود با آنها میزند

# روزنامه قاجار القایه تاریخ پخیم شهر شعبان المعظم مطابق سال تنگوریل ۱۲۶۶

نمره هجدهم  
هر کس در طهران طالب نسخ  
ازین روزنامه باشد در  
بازار دروگان میر سید کاظم  
پور فروش فروخته میشود



قیمت  
یک نسخه ده شاهی  
سه ماهش هزار  
شش ماه دو هزار  
سالانه پست و چهار هزار

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### اردوی مسایون

موافق خیر آخر که از اردوی مسایون بدارتخلافه رسید موب  
فیر و زمی کوکب اعلیحضرت شاهی در بلوک ساره تشریف داشتند  
داراده دارند که از ساره منزل منزل بر وجه تشریف فرما  
شوند و در روز بروز و وقت خواهند فرمود و از آنجا بجهت  
اول ماه رمضان المبارک بدارسلطنه اصفهان نزول اجلال خواهد  
فرمود

مزبور مکرده بود و در آیاتم بعضی از جاهای او شکسته و خراب  
شده بود و در قزوین به باغات خوب مخصوص تاک انکور مشهور است  
و این سیل که درین اوقات آمده از انطرف شهر که گذشته سیل  
خرانی که به شهر رساند بعضی از باغها چنان بکل ولای پر کرده  
که سر بارند درختها و تاکها نمایان بوده و باقی در زیر خاک و کل  
سیل مانده بوده اعلیحضرت شاهی مقرر فرمودند که مندرسیان  
بازوید و برادر تعمیر و درست کردن سده مزبور را نمودند

در روزنامه سابق در باب خرابی سیل در قزوین نوشته شد  
نظر بانیکه اعلیحضرت پادشاهی و انسانی دولت علیه رفاه و آسایش  
عموم رعایا را همیشه منظور دارند و اگر ضرورتی با آنها وارد می  
شود که از بر ذمه دولت علیه لازم میدانند در اوقات توقف  
موتکب هایون در قزوین فرمایش شد که در باب سده راه سیل  
رسیدگی شود معلوم شد که از سلاطین ناصی در قیوم الایام تنیدی  
بجهت دفع سیل سببه بوده اند و خاکریز این سده را در طبر و تیره  
ورده و خانها بطوری سببه بوده اند که آب سیل بشهر نمی آمده و  
کنار شهر میکشند و قریب سی سال می شود که سیل در آن  
ولایت نیامده و باین سبب که چندان اعتنائی به استحکام سده

که بطریق سابق محکم و مضبوط بسته شود و اخراجات آن برقرار شود  
از دیوان اعلی داده شود که بعد ازین آنجا از خرابی سیل محفوظ و طوی  
این تئویش این باشند و انجمنی سبب مزید شکر گذاری و دعا گوئی  
امالی و اعیان و اشرف در رعایا و سکه قزوین گردیده و انانیان  
در خصوص سیل انجمنی را ملاحظه کرده اند که ولایتی که درخت و جنگل  
باشد بعضی اوقات سیل پر زور در آنجا می آید و سایر اوقات  
و یک خشک و بی آب میماند بخلاف ولایتی که پشته و بطنه اشجار دارد  
رطوبت آب را در خود ضبط میکند و نگاه میدارد و چون اگر ولایت  
ایران بی جنگل و درخت است سیل زیاد میشود و بعضی اوقات  
بی آبی میگردد و در بعضی جاهای ایران پادشاهان قدیم رفع این

بجز آنکه در راه دور مسافت نماند از یاد آید که در این راه  
که بکار در آن صرف نمایند مانند قزوین و بعضی نواحی دیگر است  
آیه اعلی حضرت پادشاهی و انبای دولت علیه که به عین پروری  
و رفاه حال عموم خلق اوقات صرف دارند در خصوص مسافرت  
بند که از جمله اعمال خیر و ثواب و نیت بزرگ بجهت غلبت است  
داشته و خوانند داشت

دارالخلافه طهران

در پای تخت طهران درین بخت خبری نیست که قابل نوشتن باشد  
کل مردم از خاص و عام در عهد من و امان آسود میشوند و عاقلانی  
دولت جاوید مدت عیبه اند از جمله اتفاقات تازه این است که  
شخصی با رسال در شمیمانات قاطری با بارش کم کرده بود بعد  
از آنکه از پیداکردنش آویس شده بود و جستجوی بسیار کرده و نیاید  
بود بولایت خود رفته شخصی دیگر قاطر را در محرابی با گلک شمران پیدا  
کرده بود و با بارش عاجاج محسود خان کلا تر سپرده بود که کلاه  
تا صاحبش پیدا شود درین روز صاحب قاطر بر آن خلاقه بسیار کرده  
بعد از آنکه ثابت کرد که قاطر مال اوست و از شاخهای اسباب بار او  
هم که درست داد صدق فرس معلوم کردید قاطر را با هر چه در بار او  
بودن کسر و نقصان چیزی با و تا مرده نمود و حق رسیدگی نایب

بعضی از مردم در باب بلط در واره اشتباه نموده و مطلق شده  
لازم آمد که اخبار شود مهربلط در واره از آنجا که محسود خان پسر  
اول اجودان باشی سپرده شده است که آنچه ذکر در اهل نظام است  
بتصدیق مترب انخاقان اجودان باشی و آنچه کتبه و عیت اند  
بتصدیق محمود خان کلا تر تنه کرده از عاجاج پشمارا که کرده میروند  
و درین باب بجز اینبای دولت علیه تاکید تاکید و قدغن بین

شده است که بدون کمرش یکدیگاری و بدون مصلی بلط و او  
که بجهت ذکر و عیت در کمرش بلط و جمتی نباشد  
امورات قشونی

کل اهل نظام متوقف دار الخلاقه از نوپچی و سر باز همه روزها  
مباشند و هیچ روزی بقاعده مقرر از شش خود تخلف نمی نمایند  
و عاجاج داد و خان مرتب در شش و تعلیم کل انواع نظام کمال  
کوشش و دقت را مینماید

سربازان فوج سواد کوی را که نوآب عهد قیامی میرزا و ستیاد  
بودند عاجاجان میرزا عنایت الله شکر کویس و محمد خان پسر  
اجودان باشی در عیبه گذشته سان دیدند

فوج سمنان و دامغان که کمال آراستگی و نظم را دارند مواضع قرار  
مقرب انخاقان اجودان باشی در روز سه شنبه عاجاج میرزا عنایت  
الله شکر کویسان حاضر شده و سان دیدند

فوج قدیم و جدید فرمان را نیز که نهایت آراستگی دارند در روز  
یکشنبه مواضع قرار داد و مقرب انخاقان مشارالیه شکر کویسان برادر  
سان دیدند با کمال نظم بودند

سیصد نفر سواره افشار جسمی عاجاج سلیمان خان که نامور کرگان  
بودند در یکشنبه ۲۹ رجب روانه شدند

فوج اخلاص فشار ابوالجمع قاسم خان که نامور خراسان بودند  
در روز یکشنبه پست و مقم ماه رجب روانه شدند

قرغانه نامور کرگان روز یکشنبه با چند نفر سواره فشار روانه شدند

امورات تجاری

چونکه منظر این دولت قوی شوکت علیه در راه انداختن این روزها



دادند و چند نفر همست که قرار است بیاورند

از دارالعباده یزد نوشته اند که از اهل ری با طشت با هم بچند نفر  
بلوچ که بجهت تاخت و غارت آمده بودند بهم برخورد و در میان  
جنگ شده پنج نفر از بلوچ کشته شده و چهار نفر نیز دستگیر شدند  
یکی از این چهار نفر جلال الدین نامی است که بسیار شریک بوده و سرکرد  
آن بلوچان بوده و هنوز آنها را که گرفته اند بشهر نیاورده بوده اند

احوال متفرقه

در یکی از روزنامه های مجلس نوشته اند که کشتی تجاری فرانسوی  
نزد یکی کنا رملت مجلس زمین خورد و چونکه طوفان بود کشتی  
ترسیدند و یکی سوار زور قماش شده که نخشید و خشکی فرسودگی  
یک نفر که بزکشان بود در آن کشتی ماند و با آنها کفیه بود که مگر زید  
مد دریاست و تا چند ساعت دیگر کشتی بالایی آید و بروی آب بیفتد  
و ما میتوانیم کشتی سلامت بیرون سپاریم اما آنها از خوف  
گریختند و او را شاهد در آنجا گذاشتند و هیچکس بشهر آید کشتیها  
اعل شهر زور قهای خود را به آب انداخته و عقب کشتی میزور شد اما  
از آن کشتی اثری نیامشده بعد که معلوم کردند آن شخص تنها کشتی خود  
از آنجا سلامت در آورده است و بجای دیگر برده همس  
جبروت و جلالت این شخص را می کنند که کمال ثنات را کرده است

در یکی از روزنامه های شهر یوزبارک منگی دبای شمالی نوشته اند  
که از برای اهل آنجا که در سرحد گسگومی نشینند بسیار سخت میکند  
طوائف قدیم آنجا که کلاً که از نشان از گوشت شکار است چونکه در آن  
اوقات بجهت آباد شدن آن ولایت شکار جنگلی و وحشی کم شده است  
از ولایت خودشان بیرون می آیدند و اولاد و فرزندهای آنها را که در آنجا

آبادی کرده و نوشته اند تاخت و غارت میکردند و آب و گاو  
و گوسفند و قاطر هر چه پیشان می آمد میسرند و گاو گاو زن و بچه  
فرنگیها را همس میسر میکردند اما در تاختان قاعده نبود که کسی را  
بکشند مگر کسی که جنگ میکرد و در کشتن او لایب می شدند چونکه صلاح خود را  
درین دیده بودند که آنها را نکشند که کله و حیوانات که جمع نمودند  
باز بیایند و تاخت و غارت نموده میسرند

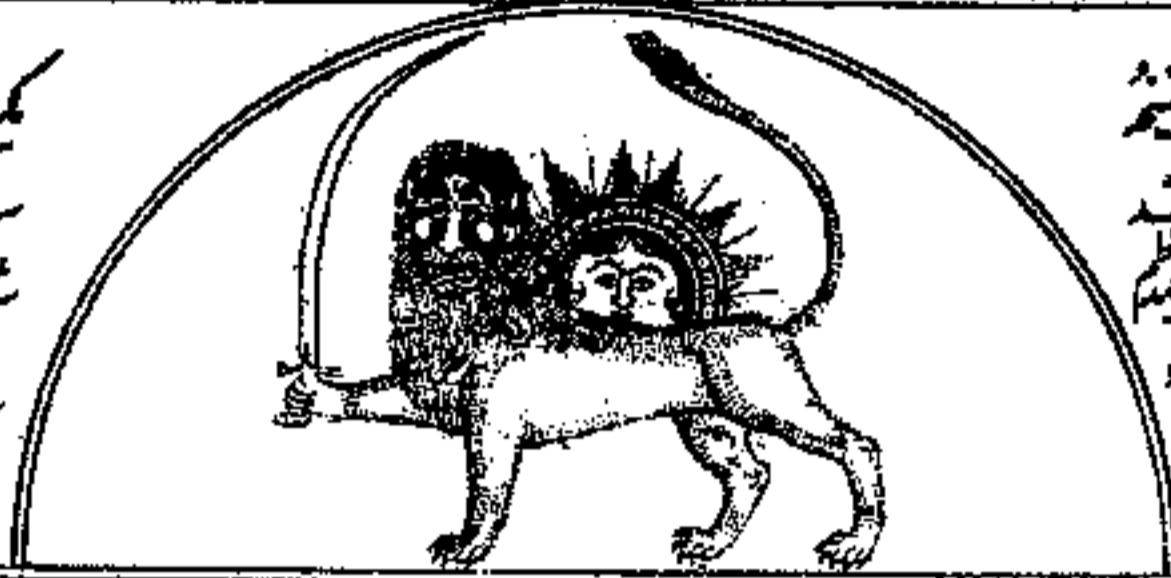
دو روز یکی از اطباء مشهور فرانسه است در کتابش که در طب  
در خصوص نمک باین طور نوشته است که از تحقیق علمای طب  
معلوم میشود که نمک از جمله چیزهای لازم است بجهت انسان و کثیر حیوانات  
در هر ولایت که نمک فراوانست و زیاد استعمال میشود و ما  
تا دره پر زور و با ذکاوت میباشد و ناخوشی چندان در  
سیان آنها نمی شود و در آن ولایت که نمک کم یا بیست و کمتر کجا  
میرود و ما شش است که ضعیف و کم زورند و ناخوشیها  
مختلف در میانشان پیدا میشود و از برای اکثر حیوانات هم نمک  
لازم است و بخرید

از جزیره سینه نوشته اند که چون در زمان دریا می است  
درین روزها زیاد شده بودند کشتیهای جنگی دولت ما که در  
سست بودند بعقب در آن رفته بودند و در بعضی جزایر کوچک شدند  
اهل آنجا در ذی تاخت و غارت بودند کشتیهای منور تر شبیه آنها رفته و کشتی  
نزدیک شد اهل آنجا از سکر که در کنار دریا شدند با اهل لذت و پندار  
توپانهای بسیار خوب چاکبیل شیلک بر زور مدتی جنگ کردند و شش نفر از  
اهل آنجا کشته و پنج نفر زنده شدند اهل آنجا چهاره پانچ سکر آنها اند و توپ بسیار  
سکرای آنها را که هشتاد و پنج تان آن جزیره داده بودند و زور بودند در تنبیهشان  
بجزیره سینه فرستادند که کشتیهای بزرگ و خورخانه بزرگ بسیار است و بجهت آنجا پادشاه



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه وازدوم شهر شعبان المعظم سال ۱۲۶۷

نزد نوزدهم  
هرس در طهران طالب نیت  
از این روزها ما باشد  
در بازار دروگان بر کسب  
پور فروش فروخته شود



یک شش و پشاهی  
سه شش هزار وینار  
شش ماهه و از ده هزار  
سایه زیت چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

از دوی همسایون

سوافی خبر آخر که از اردوی مایون رسید اعلیحضرت شاهنشاهی  
در سلطان آباد تشریف دارند و از آنجا چنانکه در روزنامه گفته  
گشته نوشته شده بود بنا دارند که به دارالامرو برود و چون  
فرمانند و بعد از چند روز توقف در آنجا در تپه صفاان تشریف

و از آنخلاط طهران

از وقتیکه مرکب اعلیحضرت شاهنشاهی از دار آنخلاط طهران حرکت  
فرموده اند نواب شاهزاده بگرام میرزا و ایدم الاوقات سی رکوش  
در آسودگی و رفاه حسن خصوص فقره و ضحفا دارند و از جمله فرسی و کوشش  
ایشان این است که از چند هفته پیش ازین آب نخل شهر آمده و به آنجا  
رسیده و علامتی آید و در باب اجناس خراکی در هر باب  
نظم گذاشته بودند که بجهت فقره نگاه باشد که در قیمت گوشت که در  
قدیم دار آنخلاط این است که سه ماه پسم ماه نزع آن از دیوان  
مقرر می شود تا بحال قضا بها بان نزع که در اول محل گذاشته شده  
بود و میفرماید در یوم و دو شنبه و شهر حال چند نفر از ریش سفیدان  
صنعت قصاب را بجهت خواستند و چون که دست معین آنها مافی  
باوید ایشان تا آخر جزا بود که گوشت را بکنش عباسی فرود شدند

با بنا حکم کرده ندولی خواش نمودند که چون حالا انبانی است که کو سفند  
وزانت گوشت را از خوار یکس من بوزن شش عباسی بکند و بنای  
بند شدند و از نفع این دو دانه روز که تا آخر جزا مانده است بکنند  
و آنها هم قبول کرده اند و فرار شد که در کل شهر کوششکن هزار دینار باشد

قاعده حاصل طهران این است که گوشت روز از غید نوزدهم  
جزا زه از و این بازار می آید و سال هم بین و عده آمده  
حاصل اطراف شهر چند روز دیگر ترا حاصل و این بدست می آید  
چند است که شمول در دو چو باشند و کم مانده است که تمام نموده  
و ابتدای دیدن که است و بجهت حاصل ده در شهر اسان خوب فرود  
آمده است و تا بحال در اکثر اطراف آب فراوان است و لکن سکو بند  
که در دست در این جا نوزدی که کسین بنیانه آمده است و حاصل  
قدری خراب کرده است و در دست قم پیش از و این ضرر رساننده  
و از فرار فقیر آنها که از قم آمده بودند که با بحاصل قم از این جانور ضرر  
زیاد رسیده است

قاعده در آنخلاط طهران این بود که در ایام ماه رمضان المبارک  
شهر از کثرت نعمت روزنه از منسج تا وقت ظهر در منزهای

۹۱

سایر ولایات

در روزنامه برود نوشته بود که در آنجا نایت نیست و  
خزانه ای در آنجا نیست و از روزیکه نژده تشریف آوردن اعلیحضرت  
پادشاهی به برود رسیده است کار که از آن دیوانی آنجا در  
تعمیر عمارت شهر و باغ شاه بجهت ورود مومک تا چون در کار نژد  
سعی و اهتمام در تقسیم حدت دارند که رو بجهت بجهت خود حاصل نمایند

وزیر بزرگ و بزرگ کرده است در شهر جا کشیده اند که هر کس از آنجا  
و ساکنین و غیره بخلاف سابق اذن دارند که نان در خانه خود بخت  
به بازار بیاورند و بفروشند و کسی مطالب محاوره و مالیات از آنجا  
نماید و مردم از بزم در رفاه و دعا کوئی دوام دولت جاویدت  
علیه اند و هر کس که فوّه دارد در خانه خود نان بخت به بازار آورده

مفروضه

پیر حکیم یعقوب بودی در برود و از شخص سلمانی زخی حق الطبا  
گفته و آورده بوده است در بازار بفروشند نایب دارو نه او را  
گرفته محبوس کرده بوده است که چارخت بود و بازار آورده  
بفروشی هر چه قسم خورده بوده که زخی مال سلمان است فایده کرده  
یک نفر از نوکرهای دیوانیان که از صحبت این کار مطلع بوده نیز در او  
رفته و کیفیت را با او گفته بوده از او قسم قبول کرده بودند بعد آن شخص  
که از شش را بوزیر برود عرض کرده پیر حکیم یعقوب را از حبس برین  
آورده و بجزم او را محبسید. این بر طاعت ائمه و اری دم کرده

از نمان نوشته اند که در شهر حیب حاجی علی بن محمد خمینی که بجزم  
دیانت پت اقمه محرام از حقوق آمده در مجال شاهرود در منزلی  
از منازل فرود آمده و در وقت کوچیدن و تبریزین که پنج طایفه از

با سه احتشول باشند و از نظر الی ساعت نوب مانه در ساج  
بجای احتشول باشند و از ساعت نوب مانه الی مغرب قرار  
ایام است که در آنجا زده زید که متصل به بازار کار و انشوری نامیده است  
بجهت شولیت که روز شبام برسانند در کردوشن باشند و که از  
دار خلافت و سایر ولایات که اسباب قطعه دارند در ایام ماه مبارک  
در آنجا زده زید نغروش برسانند و مردم از ساعت نوب مانه  
الی صبح در آنجا زده زید نغروش خواهند بود

چهار نفر مقرر که دو نفر آنجا فور خانچی بودند شرب کرده و دست  
باغبان باغ مشهور حیر و خانی را که در دم در و از تو قوین است  
نم زده بودند و یک نفر سب از ترافه که در بازار رفته کشیده و شرب کرده  
بود و یک نفر زده که در دو لای گرفته بودند هر چهار نفر را حسب حکم  
اجودان باشی در حبس و اطلاق نظام بقطار نظام انداخته بسیار است و  
سترای خود رسانیدند

امورات قضونی

فوج قدیم و جدید مراغه را در روز نهم ماه مال متصرفان اجودان باشی  
و سگرویان سان دیدند  
سواران شامسون افشار را در یوم ششم این ماه در بخارستان سان  
و مخص نمودند

از معتقین فوج بیات زرنده سلطان و نایب و کجیل آنها را  
در روز هشتم شهر حال معترب آنجا خان اجودان باشی در میدان در  
خانه بقطار فوج چهارم انداخته تا وی می شدند که قریب به هلاکت بودند

و در نوزده شامسون را در میدان تبارزانه بسته حکم شده و هزار تارینا  
بآنها زدند

دو نفر سرباز قزوینی را که فرار کرده بودند هر یک بآنها تارینا زدند

خود را با آنها سپیدند و فراموش کرده بجا گذاشته بودند و روانه  
 منزل دیگر گردیده و در راه سواره او همانند که فراسوران و مستحقان  
 سامان بودند با آنها برخوردند آنها که چنان سواره میبودند که فراتر از  
 دو تبریزین از آن سرفت کرده آید یا بید یا ماتب را در طهران بی  
 کار گذاران دولت علیه عرض خواهیم کرد و مستحقین نیز بر اینیم نخواهند  
 مبلغ چهار تومان به جوقها بجهت دو تبریزین داده قبض گرفته بودند  
 بعد از گذشتن آنها عبا سلی یک ساره مزبور رفته در منزلی  
 که تبریزین مارا کم کرده بودند مخفی نموده و پیدا کرده محسوم شد که بقیه  
 دو هزار و بیارندش گذاشته قبض چهار تومان را با تبریزین بنیاد  
 داران اخطا طهران روانه کرده اند که بخوبی قیام داده و خواه خود را در آنجا

احوال متفرقه

در اکثر ولایات و ننگستان چون که فصل بهار موسم بچه در آوردن  
 طبور و وحوش است تا چند مدت از جانب دیوان حکم است که  
 شکار حیوانات و طبور با کول اللحم موقوف باشد در روزنامه  
 جریده الحوادث که در اسلاسون چاپ میزند نوشته اند که بنام  
 بهشتیم جهادی الشانی اعلام کرده اند که از آن تاریخ تا چهل روز  
 از تابستان رفته شکار کردن موقوف باشد و درین مدت هر کس  
 شکار کند تعکب اسباب شکارش ضبط دیوان است

در دوران طایفه یونان در دریا کشتی تجار را ناخت و غارت میکردند  
 درین روزها زیاد شده اند یکی از آنها گری نام که دست بزرگ  
 و در دور او جمع شده اند در دریای جزایر یونان کشتی یکدیگر و بر  
 آدم که در کشتی او میشدند با سلاح و اسباب بیچاشند  
 کشتی کوچک تنه رو سوارند و چند کشتی کوچک تجار تی درین  
 روزها برده اند

از جزیره رودس نوشته اند که زلزله که سابق بر این اقله جزایر

در آن ولایت کرده بود هنوز تمام نشده است اما شش سابق شدت  
 ندارد و از یکی از کوههای آنجا دو دو بخار زیاده پدید آمدن  
 میشود و مردم خیال میکنند که این کوه بسم کوه سوزنده خواهد بود  
 از اسلاسون کشتی تجار در ولتی که نام او سیرالجهت وارد  
 جزیره رودس شد. قفسین و معماران در میانش بودند که  
 عراقی عمارت جزیره مزبور را ملاحظه و باز دید نمایند خصوص عراقی  
 عمارت دیوانی و قلعه و غیره را و این کشتی دو روز در آنجا  
 ماند بعد از آن جزیره ساماس روانه شد و از دیوان حکم گرفت  
 که چون سبب زلزله بعضی مردم امواتان تلف شد. ولی خبر  
 مانده اند هر روزه نان بقدر کفایت خوراکشان با آنها پهنه  
 رودس جای بسیار قدیم است و خیلی معور بوده است بعضی  
 عمارت و غیره که از زلزله شکاف و ترک خوردند و متفاده بودند

درین روزها افتاده اند یک برج بزرگ که در وین لشکرگاه که  
 نام او عرب قلعه استی کم مانده است که بعبده اگر بنفشه کوه سنگهای  
 آن برج بهین لشکرگاه می افتد مانع ترود کشتی از آنجا خواهد

از شهر فرنی بوزق مملکت سویس نوشته اند که شمشیری که چند وقت  
 پیش ازین در مملکت سویس بود و رفع کرده بودند باز برپا شده  
 نظام در آورده و مجدداً رفع سورش معین را نموده و حلق  
 متفرق کردند تفصیل این شورش هنوز میاشین روزنامه سینه  
 که با دولت سویس از محافظت معین کل طوائف و ننگستان که در  
 آنجا جمع شده اند ضرر زیاد کشید. اند با اینکه از آن دولت حفاظت  
 محابته و حرمت دیده اند مع ذلک خلق آنجا را متحرک نموده از دولت  
 باغی ورود کردان میمانند و با آنها نوشته بودند که شامی دولت و غیره از دولت  
 سویس خوشی که ذره که با معین سپردن نمایا طویلیه بزرگ ضرر آن ببول دیگر

درین روز با بجه دولت پرورسته در شهر لندن کشتی بخار ساختند  
 بسیار خوش ملیح نسبت بکشتیهای دیگر که میسازند چندان بزرگ نیست  
 اما طوری ساخته اند که توپهای بزرگ در او گذاشته میشود و چنانچه  
 توپ دارد که کلوز ۱۰۰ پوند میخورد چیزی تازه که درین کشتی ساخته  
 این است که کشتیهای دیگر جلوشان در طرف عقب است و این کشتی از  
 دو طرف جلو دارد و میتوانند در وقت جنگ توپها را از جلو و عقب  
 از هر دو طرف پندازند درین روز یک کشتی بزور را بر بار برده و  
 کرده اند و توپهای بزرگ که در او بوده اند از حد اندک معلوم شد که این  
 کشتی را چنان خوب ساخته اند که از انداختن توپهای این بزرگی چنان  
 حرکت نمیکند و مستحکم است

شخصی از طایفه یونان بشهر پاریس می تحت فرمان وقت در آنجا  
 باقی مانده گفته است که من از جانب دولت روم کلمه که در پاریس  
 خواهی که بخواهند از اهل دولت خارج قرض کنند واری بکه روم در  
 آن حسیع بشود و منگ از ارز دولت روم کبریم اهل شهر پاریس  
 او قای او را باور نمودند که وکالت او صحیح است اتفاقاً از جمله اجناس  
 که در کازخای پاریس نوشته اند و در شخص نور و او قای او  
 که میگردد و واری که میخواسته است بگذارد کازت خوانند که  
 اسلامبول رسیده معلوم شد که او قای این شخص بی باور و داور راه  
 خدعه و تقلب این کار را کرده است و رسیدن این خبر پسلا  
 در روزنامه آنجا چاپ زدند که قلع از بی باور و او قای این  
 مستخر و اگاه باشند و یکی از فرایده محسنات این روزنامهها  
 چاپی این است که چنین تقلبات و اشتباه کاریها زود آشکار  
 و کذب دروغ گو یان ظاهر میگردد

یکی از کشتیهای بخار سلطان که نام او سرد اور است از شهر امیر

پاسلا مول روانه بوده است شبی در تریخی جزیره ملین آگاه است  
 خورده و آب رفته پیمان کشتی بهم رساند کشتی را یکی از لشکر کاهیا  
 نزدیک آنجا برد و سیاحت و بار تجاری که در میانش بود پر  
 آوردند و طوری کشتی را بکنار کشید و در خنایه بر آسود و در تریخی  
 کشتی غرق شود و منبیل باشا کشتی با دانی با باد کشتی بزور با  
 دستاوه بود و کشتی بخار شکسته را از آنجا به اسلامبول آوردند  
 مندر سسنگلیس که سابقا در در آوردن توپها و سیاحت کشتی نیز  
 عمارت خود را ظاهر کرده بود و در باب این کشتی و او طلب شده است  
 که نمیر نماید بطوریکه از آب بیرون نیاید و چونکه آنجا کشتی که  
 شکسته است در میان آب است کشتی را از لشکر کاه اسلامبول  
 به تریخی قبضه تریخی که این شایسته بودند

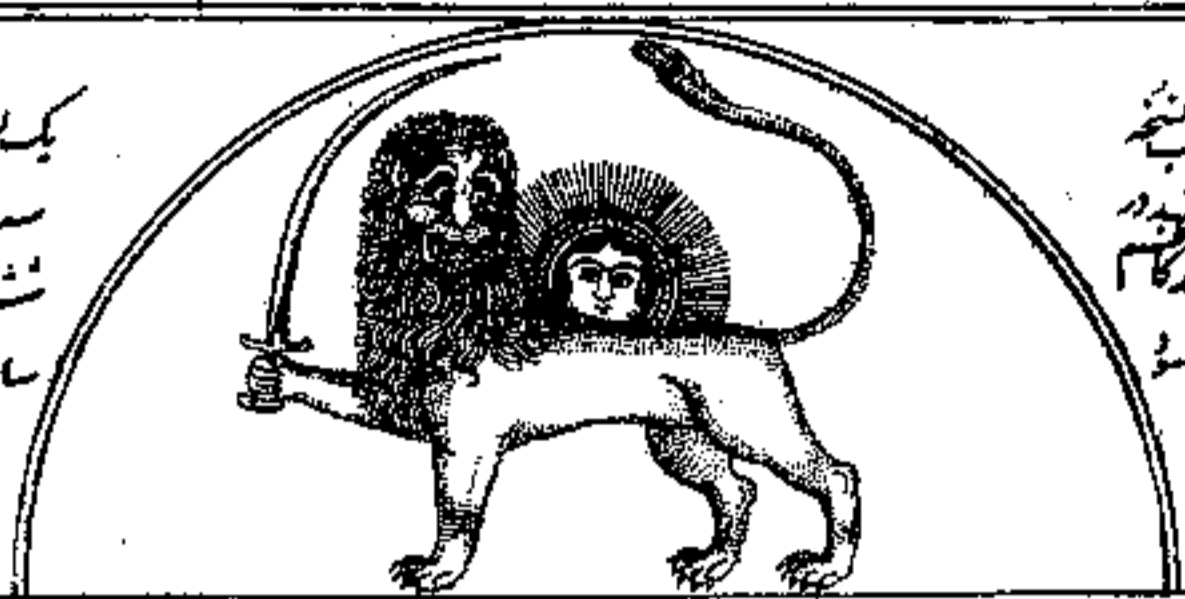
در بعضی جاهای مالک روم زیستان بخت پارسال در ختمتای  
 زیستون را چنان مشرک و مات که هیچ حاصل از آنجا ارسال  
 بعمل نمی آید و چونکه اکثر او دستد مالی بعضی از مالک روم در  
 زیستون بسیار مقرر شده و خسارت خواهند کشید

کشتی سیاحت و غیره که از مالک روم لریکستان بیرفت در  
 که احتیاج بر یاد نگاه میداشند و مدت که احتیاج در بعضی جاها  
 روز و بعضی جاها بیست روز بود درین اوقات چونکه نا خوشی  
 از ولایات روم ترقیت که رفع شده است اکثر کشتیها  
 کم کرده اند یا با طره برداشته اند و چونکه جزیره مالت نزدیک  
 اسلامبول بود که احتیاج آنجا را کم کرده بودند اما به از آنکه  
 شد که در این روزها طاعون در سمت ولایات روم غیب لیب  
 تخمین دشورت اجبار در کازت اعلام کرده اند که مدت سیاحت  
 باید در کراختین باشد مدت یک شبانه روز است که بت چهار ساعت

باید در کراختین باشد مدت یک شبانه روز است که بت چهار ساعت

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه نهم شهریور المعظم سال ۱۲۶۷

بک نغزده شاهی  
سه ماه شش هزار دینار  
شش ماه دوازده هزار دینار  
سالیانه دو تومان و چهار سزار



شهر بیستم  
برگس در طهران طالب نخبه  
ازین روز تا ماه باشد در  
بازار دروگان بر سر تیدگام  
بگور فروش فروخته شود

اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

بهر از بعضی تفکهاست که درین روزنا از ولایت انگلیس آورده اند  
خصوص در چاقشان که سپاه خوبی سارند و حقایق تفنگ  
سربازی لازم نیست که ازین بهتر باشد در فرنگستان لوله تفنگ  
سربازی را یکپارچه پن می کنند و بعد از آن دو طرفش را بهم آورده  
چوش میدهند و تفنگ سپاه را علی راجه سکار لوله پیچی سازند  
و استحکام لوله پیچش را یکپارچه است و در اینجا از راه احتیاط  
تفنگهای سرباز را که حالا درجه خانه میسازند لوله پیچ میسازند  
و در سایر اعمال جبهه خانه و قورخاز استادان صنعت کاران  
سپاه قابل شده و ترقی کرده اند خصوص در ساحل جناب  
سجده آتش دادن توپ بطوری خوب میسازند که در فرنگستان چند  
سال سابق بر این باین طور نتوانستند بسازند یعنی بعد از آنکه آتش گرفت  
در زیر آب بم میوزد و خاموش نمی شود و حسب احکام امنای دولت  
در جبهه خانه چند عراده کالسکه هم میسازند نظر باینکه این شش کالسکه  
ساحل تازه است و در ایران چندان متداول نبود سپاه جناب  
میسازند

ارژوی مسایون  
مواقف خبر آخر که از ارژوی مایون آمد در یکفرسخی شهر بود و خبر دادند  
انما اعلی حضرت پادشاهی نوز داخل شهر شده بودند و در پرده  
تشریف داشتند  
در منزل استیخان خداوند عالم به اعلی حضرت پادشاهی سپری  
نموده اند و سبب مزید حقیقی و خورشیدی کل امنای دولت  
و چاکران حضرت گردیدند انشاء الله و هم جهت از روشن مبارک پایدار

دار بخلاقه طهران

در این ایام امنای دولت علیه در راه انداختن قورخانه و جیاخانه  
سی و کوشش تمام دارند و در اکثر شهرهای محطسم ایران قورخانه  
و جبهه خانه بطور خوب بر راه افتاده است خاصه در دروازه انخله  
طهران که درین روزها در بعضی صنایع ترقی زیاد کرده اند بیشتر  
نظامی که میسازند اگر چه مقابل شمیرای خوب و ممتاز و نگین نوز  
شده است و لکن سپاه بهتر از شمیرای بعضی دول فرنگستان آن  
در ترکیب و پرداخت کردن مانند شمیرای انگلیس میسازند اما  
قراین شمیرا نوز بان خوبی شده است و جنبی بهتر از شمیرای  
که سابقا درین ولایت ساخته میشد تفنگها که در جبهه خانه میسازند

چنانکه در روزنامه منعقد گذشته نوشته شده بود و بعضی از آنها  
در این جزوی سخن خوارکی شده بود و آب شاد بود بهرام میرزا

از راه رفت و عدالت کسان این با آنجا فرستادند که باز دیده نمایند  
این شخص کردید بجزئی سینه خوارکی در بعضی داشته و در کلبه سیرت  
در این حاصلشان بسیار خوب و زیاده است و او است و او است

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

سایر جنوبات و اجناس خوراکی نیز از این بر آورد و در وقت  
امورات مشوسنی

فوج سمنان و دامغان را بعد از آنکه سمنان دیدند فکرو  
فلسفه و تفنگ آنها را داده در روز دهم ماه مهر کردند

سایر نظام توقف و از آنجمله طهران در روز هفدهم بقاصه  
مشغول شت میباشند که روز پانزدهم ماه که از آنجا گذشت  
مخبر است در آن روز مرخص بودند

تفنگ سنگی که از بندر ابوشهر بایست بیاید در این روزها  
سوار می شش هزار قبضه تفنگ و یک کورسنگ وارد  
وز خانه و جیبم خانه و از آنجمله طهران کردید

### سایر ولایات

از روزیکه مرده تشریف آوردن اعلیحضرت پادشاهی به  
اصفهان رسیده است حکلی امالی آنها و کمال حورسندی و  
شکرگزاری بوده اند و کارگذاران دیوانی هر یک در خدمت  
مرج و بجز دستام داشته اند که رو سفیدی جهت خود حاصل

دو فوج قدیم و جدید که از وارد اصفهان شده و هر روز  
شق میباشند

حاجاه چراغعلی خان نایب الحکومه هر روز بفرستد و سرباز  
می آید و رسیدگی نماید

سابقا اگر چه تبتالی عمارات و از آنجمله معمول بود و در این  
بیشتر بود و مردم از این حدیثی بود که کارگذاران دولت علیه  
عموم خلق و زن میستند بجهت آبر قرار دادند که بان وزن از کوره  
آورده بر دم بفرستند و درین باب صباح دید عالیجهان کلاستر  
و سوار باشی و ملک النجار از کوزه پزها الترام گرفته شد که از این

نظرس	نظرس
۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰

بفرستند تفاوت وزن را بر قیمت پوزتند و بتانی اسال کلا  
از آبر جدید است

قیمت اجناس اکولات و از آنجمله طهران درین وقت از این

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نوبت	نوبت	نوبت	نوبت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

محمد علی خان پسر ناپ الحکومه نیز در میان فوج فیروز کوهی مشغول  
بنیاید

چون آب زراعات اصفهان اغلب از رودخانه زاینده رود است  
تقسیم کردن آب فیروز در میان رعایا بسیار وقت لازم است  
از آنجهت ناپ الحکومه هر دو روز یک بار در رودخانه فیروز رفته  
نزد رسیدگی بنیاید که بی حسابی در میان رعایا نشود و هر قسمت  
خود را ببرد

بنانی در محله باقلا فروشان اصفهان در خانه کار میکرد است  
از سقف خانه کوزه پرود آمده در میانش بکشد و دو عدد قند  
قدیم بوده بنام در میان خودشان تقسیم کرده بودند صاحب خانه  
مطلع شده و بنای الحکومه عرض کرده آنها را حاضر کردند بعد از تحقیق  
تجدید نصف پولها را فرودخته بودند و نصف دیگر را که موجود بوده

ار دوی مایون فرستاده

در روزنامه شاه رود و سمنان نوشته اند که کمال ارزانی و ارا  
وانیت در آنجا در صفحات خراسان است و از قنونی که از  
نظام و غیر نظام خراسان رفته اند مالی منازل عرض راه و  
زوار و متردین کمال ضامنند بر او اند که با کمال نظم و قاعده  
رفته اند و در راه از آنها چه نسبت کسی نفی و خلاف حسابی  
نشد است و دست به باغ و میوه و زراعت کسی دراز نکرده است  
و از زوار و قافل که از آنجا آمده بودند تخمیس شده مذکور شد  
که آنچه از قشون در عرض راه و منازل دیده شده از بیم توانند و اینها  
دولت علی اجزاز و اجتناب آنها از باغات و زراعت مردم  
از زوار بود و رعایا و سکنه آنجا از بیخ کمال رفاه و رضایت  
و شکرانه داشتند

از جمله خبر آخر که از خراسان بدو اخلاف طهران رسیده در

شهر مشهد مقدس زلزله شده اما خبری نبوده و چندان شدت  
نکرده و سخت نبوده اما در قوچان شدت داشته است بطوریکه  
یک ربع از خانه های آنجا با بکلی افتاده اند یا در ایشان شکسته  
و خراب گردیده و تخمیت ناصد و سخت تر از آنجا چکش شده  
چه زخمی کرده اند و چون وقوع این زلزله در روز دوشنبه  
کسی تلف نشده است و این فقره مسموعیت و کتب با بنر و میان  
روزنامه رسیده البته بعد از این خبر محقق خواهد رسید و در روز

نوشته خواهد شد  
احوال متصرف

عباس شاه حاکم مصر بنا دارد که ما بین شهر قاهره پای تخت مملکت  
مصر و اسکندریه راه آهن بسازد بجهت تردد کالکسک بخارجین  
از انگلیس مصر آمده اند در راههای مزبور را ملاحظه نمایند و کویا  
پشتر خواهد این راه را اهل انگلیس کار سازی خواهند کرد و در عرض  
شاهی که خرج میکنند و از منتهی سبب آنجا که داشته خواهد شد  
از آنکه راه بکار افتاد و جبرستیا و بارهای تجارتی و غیره شده  
انوقت قرا منعت سبب کسی که خواه درین راه صرف کرده اند  
کذاشت و چونکه ولایت مصر راه تردد سبب از انگلیس تا هند است  
اگر این راه آهن ساخته شود و راهی دیگر هم از مصر تا کن بجز  
ببازند عبور اهل انگلیس برهند و ستان بسیار از حال آسانتر  
و زودتر خواهد شد

مواقف خبر آخر که از جزیره رود سند آمد زلزله که مدتی در آنجا طوفان  
کشید کم مانده بود که تمام بشود اما خرابی زیاد در آن جزیره هم  
رسانده باغات درخت زیتون را زیاد خرابی رسانده  
و تلف نموده و چشمه های که آب شیرین داشتند حالا بی آب  
گردد شده اند و بسیاری از چمنها هم خشک شده اند از قسیر و باغها

۹۷

از جمله چیزهایی که درین روزها در ولایت بکلیس اختراع کرده است  
 استیباب است که خبر از آمدن طوفان میدهد شخصی دیده بوده است  
 که هر وقت که طوفان نزدیک میشود زالوا که در میان شیبگاه  
 میدارد همه بالامی آیند این شخص که همگی را استیباب نموده بحال  
 خود استیبابی ساخته است که از حرکت زالو در شیبگاه و بالا این  
 معلوم میکند که طوفان خواهد شد و چرخها ساخته است که حرکت در آن  
 مانند ساعت ترک میزند و مکان دارند که این سبب استیبابها  
 بسیار بجزر که در دریا خبر آمدن طوفان از امید به کشتیها میتوانند  
 پیش از رسیدن طوفان بدانند و اینند

تا بیخ کاغذ آخر که از بنیانی بند رسیدیم ریح الثانی بود و درین  
 دو عمل که بجهت ساحل راه آهن بکلیت فرستاده بود و مشغول ساختن  
 راه مزبور بودند و در سمت بکال مدتی که نرسید صاحب  
 که با بجا فرستاده اند اقدام درین کار کرده بودند با اینکه دولت  
 خرج زیاد در بواجب و اخراجات آنها کرده بود

در وهشم و یازدهم دو و از بوسم ریح الثانی طوفان زیاد و  
 باران بسیار در کل هندوستان شده بود و در رودخانههای  
 و جنبه سیل زیاد آمده بود

جنک بجا در نام که از جانب راجه پنال نبرد پادشاه انگلیس المی بود  
 بولایت خود مراجعت کرده بود و در انجام احترام زیاد و بشا راجه  
 کرده اند و بنا داشته است که از سرحد ولایت مزبور تا پای تخت  
 اتجاری بجهت ترود کالک و عرب بازار که عبور آسانی بشود

اول کسی که چرخ با سیم در فرنگستان ساخت که از آن هزار روزها  
 در یک ساعت در آورد جناب سبک کرد که بسیار کار بزرگ کرده است  
 و این جدول ترود و تریشود روزنامه چاپ زد بعد از آن همان

شخص چرخ و یک بطوری ساخت که در یک ساعت سه هزار روزنامه  
 از او بیرون آورد و بعد از آن دیگر آن انگور چرخها ساخت که  
 در یک ساعت شش هزار و هشت هزار روزنامه از او بیرون آوردند  
 درین روزها نوشته اند که یکی از روزنامه نویسان نیویارک  
 یکی دنیا چرخ ساخت که ساعتی بیست هزار نسخه روزنامه از  
 او بیرون می آید تفصیل این اخبار را در روزنامه شهر اصفهان نوشته است

در ولایت سکاگند و یکی از معادن ذغال سنگی درین روزها  
 معدن یکبار آتش گرفته چاه نمرگشته شده بسیاری زخمی کرده  
 نزدیک بشهر پیرکی معادن ذغال سنگی بسیار است و اینکه این روزها  
 بخار در میان آتش گرفته است بزرگترین معادن آن است است که  
 شجینا دولت و چاه ذریع عمو دارد وقتی که این بخار آتش گرفت  
 صدایش چنان بلند شد که بشهر پیرکی که نیم فرسخ از معدن مزبور دور است  
 رسید ذغال سنگی هم از آتش گرفت بخار آتش گرفت اهل آن اطراف

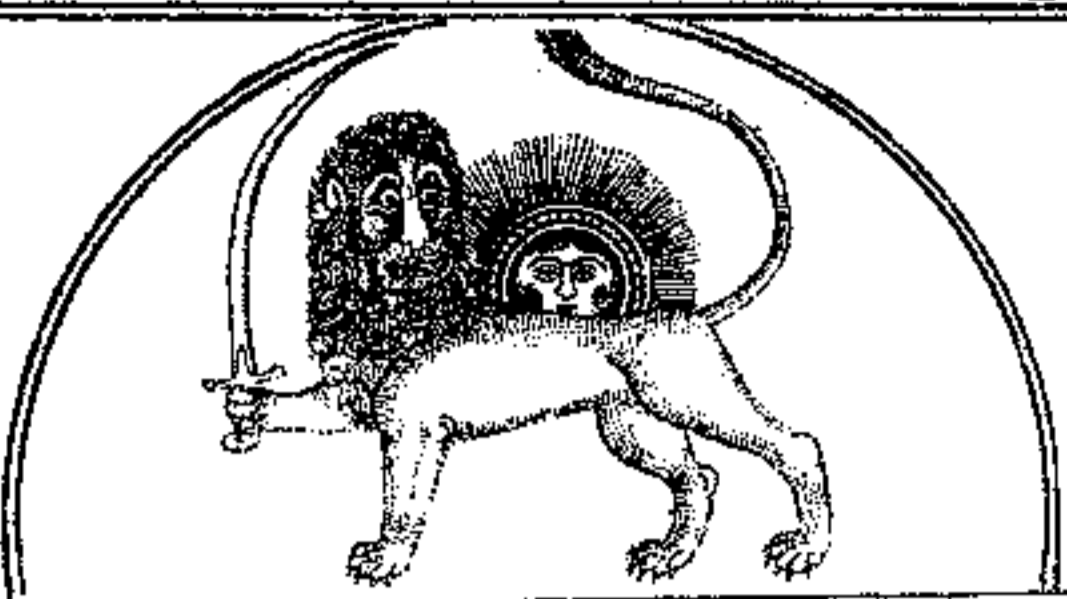
کوشتن میکردند که آنها را که در میان معدن مزبور بودند بیرون آوردند  
 اما کمان نداشتند که کسی از آنها بماند زنده بیرون پا کردند اکثر  
 معادن ذغال سنگی چاههای دیگری میکنند و طوری بنمایند که  
 هوادر میان نشان قدری جاری باشد در میان این معدن چاهها  
 و عمق از بخار بود بعد از دو روز کار کردن بعضی از آن اشخاص را که  
 میان معدن مانده بودند زنده آوردند

شخصی در ولایت ذائقه ساعتی ساخته است بزرگترین چرخ در ایران  
 و درین دو ابر ساعات و وقایق و ثانیه حساب روز و حساب  
 ربع سال حساب سالها حساب صد سال حساب هفتاد و هشتاد  
 و ماههای شمسی را معلوم میکند و در هر ساعت که ترک میزند  
 تصویر حضرت عیسی با جمعی از ملا که بیرون می آیند



# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه بیست و ششم شعبان الحظیم مطابق سال تنگورین

نمره بیست و یکم  
هر کس در طهران طالب نسخ  
این روزنامه باشد  
در بازار دروگان بخرید  
کاظم پور فروش فروخته شود



بیت  
بک منقذ و پشاسی  
سه ماهه شش هشتاد و پنج  
شماره دوازده هشتاد و پنج  
سایانه و تومان چهار هشتاد و پنج

## اخبار داخله محروسه پادشاهی

### اردوی سپاهیان

از اتمام و انتظام ولیای دولت بدستور امور اردوی پان  
بطوری منظم و مضبوط است که در حرکت سلاطین و  
باین امنیت در عایا باین رفاه و سودگی نبوده اند زیرا که در هر  
قشون از قراریکه نوشته اند برزعت و حاصل کسی مطلقاً ضری  
نرسیده سهل است مالی هر ولایتی که موکب سپاهیان علیت  
پادشاهی شریف فرماتده اند بسبب زیادتی معاملات قشون شغ  
کر دیده و کمال شکر گذاری دارند

بعد از حرکت موکب سپاهیان از قزوین از راه جبال باد و به  
سلطان اباد شریف برده و سه روز در اینجا توقف فرموده و  
از اینجا بیست و چهار روز در هضت فرموده در حصار کیکی از دات  
کز است بجهت خوبی آب و هوای که در توقف فرموده در اینجا  
در نیم ماه حال شریف فرماتده در باغ شاه نزول جلال ادر  
دشتمند و از اینکه دارالسرور بر وجه بسیار خوشتر و جوهر  
باز نیست صحاحده روز در اینجا اقامت فرمودند روز و دو روز  
کوکب شریف بر وجه اول شهر علی و سادات موضع و شریف احوالی و  
پیش از آمدن لوازم استقبال بطوری که با پیوسته و آجوا

جلال الدین میرزا پسر نواب خان میرزا در اول خاک بر وجه در زیار  
خاکبای بهایون شرفیاب و مورد عطف و خیر وانی گردیدند  
حکاتم ولایات از کرمانشاهان و ملایر و کردستان و سمنان  
بشرف اندوزی تقبیل خاکبای بهایون بر وجه شرفیابند

از آنجا که رعایا و صنعت کاران این دولت علیه در آنکه  
دولت قوی شوکت در ایجاد وحدت صنایع بدینجهت تمام  
هر یک در خور قابلیت خویش با کتاب و احداث صنایع و بدین  
طالب و رغبت از جمله حاجی محمد حسین کاشانی در کاشان پارچه  
از پیله و کج ترتیب داده و با فقه که صنایعش از ماهوت بیشتر و در  
با علی مرتب با درست و پارچه زور را در و نظر اولیای دول  
رسانده برای کلیه نظامی بسیار مطبوع و حسن افتاده و هر یک  
کلیه آن چهار هزار و پانصد وینار تمام میشود و لطافت و خوبی آن کم از  
ماهوت نیست خواه دو هزار و پانصد کلیه علی الحساب داده شد که از آن  
پارچه کلیه نظامی تمام کرده و یاد و اگر این پارچه خوب بسیار شود  
مکان هست که منافع کلی برای دولت و عیش و عشرت باشد

تنگان

جمعی از سادات شکران از دست نادان سرنگ سنجایی بکاشت  
آمده بودند که نسبت با تنهایی اعتدالی کرده است اولیای دولت علیه  
محصل تعیین کردند که رفته بصوابه نواب شاهزاده محمد قلی میرزا  
خسارت آنها را از ترکیب کرده تصاحبشان رونمایند و مگرین  
بیرتسبیه بلع بکنند

چند روز قبل از ورود موبک هایون براق پهن و قشلاق که یکی  
سیر در یکی حصار است در محال شتراب بلب چیدن زاعی شده  
وقتی اتفاق افتاده بوده مراتب و عراقی بعضی اولیای دولت فاج  
رسیده چون متوکل بضر کله لنگ کرده بود و با تفنگ نیز در آن  
میان چهار نفر بوده اند و شتر معلوم بوده که قاتل کدام یک از این  
چهار نفر بوده اند و یک نفر از آنها نیز فرار کرده بود سه نفر از آنها را که  
گرفته بودند نسبت به سیاست برانمودند و حکم صادر شد محصلین که  
گرفته و به متوکل از آن چهار نفر بگیرد که حکم بعمل شد باشد و از  
اتفا که مرتکب زاع شده و از طرفین بیگانه آمده و متوکل بوده اند از  
طرفین دولت تومان مستشار محصل کرده شد

دارا اخلایه طهران

دین پسرال گذشته هر کس به ارا اخلایه آمد و رفت شده یا تو  
داشته معلوم شده است که آیت های این شهر نسبت سابق بسیار  
تفاوت کرده است بر تبه که بسیار درت معلوم می شود و بعضی بگویند  
که سبب زیاد شدن باغات و اشجار و روزاعات است و بعضی بگویند  
سبب زیادتی آب عاریت هر سبب که باشد علی ای حال عاریت بگرفته اند  
و حال که ابتدای کرمانستانهای سابق درین فصل چنان گرم بود که  
در شهر مشکل بوده اهل خود شهر به کمال ستم استدرت نمایند  
سال تا حال بجز آنکه بسیار خوش گذشت چند روز گرم شد و چند  
مانند سابق می باشد بود اما در شب خنک شده که شد تا پنج ساعت

باران لایب آمده صبح دیدند که در روی که البرز برف تازه باران  
و از آن وقت بود در شبها بارشنگ است بلوریکه اگر دایم این قسم باشد  
مردم محتاج به رفتن سیاق و سیر و سیرنی شوند و این باران که  
بود چنان شدت داشت که بجامل ضرر بزند و هر قسم حاصل خواهد  
سود و خواه غله کمال دوز را دارد و از زبان و فرادان سپاسند

امورات قشونی

فوج جدید افشار بهر ایوسف خان سرنگ در قزوین آمده  
اردوی هایون محس کرده و برای قراولی طهرم کانی نصرت نشان شده  
فوج جدید چمنه که در قزوین برکاب هایون آمده بودند و بعضی  
گرددند که در چمن سلطانیه دو ماه متوقف بوده مشغول مشق باشند

عاجا میرزا ابراهیم خان سرنگ چمنه مشق در سوارخانه خمر راد و محس  
ماه گذشته در کاب هایون سان داده و دور روز طهرم بودند

بعد از آن برخص خانه شدند و حکم شد که عاجا میرزا را به هزار نفر سوار  
و فوج سرماز که هر یک هزار و پنجاه نفر باشند از چمنه گرفته تمام  
مواجبان را به بد آمده و حاضر نماید که با او ضاع و شکوه دارا  
تمام میا باشند که هر وقت اخبار شود در هیچ ایلی نداشته باشند

فوج سرمدی که حسب الامر در بروجرد آمده شرفیاب خاکهای  
گرددید و از حضور اعلیحضرت پادشاهی داوایای دولت علیه  
در بروجرد مشغول شوی میباشند

عاجا میرزا اسد الله خان قاجار منصب سرکشی باشکی در نایب  
حتمه الدوله امر شده به آذربایجان رفت  
سید قزوین کرد و از آن فرار کرد و روزنامه اردوی هایون نوشته

۴

نواب جدیدی میرزا حاضر کرده و سلطان دیده تعریف آنرا را خود جزا داده با بس وادعا نشان را درست کرده مرض نموده اند و در انتظام امر ذکر بسیار اهتمام داشته

فرج عید خواجه و نذ عبد الملکی را بقدر مقصد و چاه نقر با بیستم ماه رجب در ساری حاضر کرده بوده اند و نواب شایسته ازاده همد را جیره و مبرس داده صبح و شام مشغول مشق بوده اند لکن از فراری که نوشته بود بلور بکه نواب شایسته در کوشش این فرج سامعی بوده اند البته حال تمام کرده خواهند بود

خانگی یک حاکم اشرف را نواب جدیدی میرزا نصب یوز با شکی داده و سلطان حسین میرزا پسر مرحوم گلک آرا را که بسیار با سواد و رفتار است بکومت اشرف نامور نموده اند و مردم آنجا از رفتار او کمال رضایت دارند

در روز دهم اینماه لشک فرج که نذی از لشکهای انگلیسی که تازه وارد جبهه مبارک شده بود بانها داده شد

در روز پنجم اینماه لشک فرج عید فرمان نیز از لشکهای داده شد

در روز هفتم و دهم اینماه دولت نغمه سواره افشار که بایست صفیان رفیق کاب همایون محض شوند در وارا انکلاطه امان حاضر شده اند و چاه خیز و دیگر مویچا زاده با عالیا سلیمان خان افشار روانه خواهند شد

حاجی محمد حسین شیرازی با شکر سازی چیه خانه مبارک متعهد شده بود که لشک سربازی خوب امتحان شده که کار قشون نظام بخورد و بسیار بود میستی که از دیوان اعلی خازر شده ماه بیا تمام کرده اند از امتحان در او در تحویل نایب این اوقات مشغول فرام آورده من اسباب این کار فرموده است

سپار نموده درین ماه چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده خوب اغوش بر آمد و خدا شش نظر اولیای دولت علیک حسن افشاد بخلی پادشاهی معاصر گردیده و بعد از ماه رمضان المبارک در بزره بقدریکه متعهد شده تمام کرده و امتحان نموده تحویل خواهد نمود

سایر ولایات

در روز نهم این ماه جناب جلالت نواب علی محض و وزیر مختار در انگلیس به ابر السلطه اصفهان وارد شده اند در روز دهم اینماه جناب جلالت نواب وزیر مختار دولت بته سس وارد و ابر السلطه اصفهان شده اند

در اصفهان ضعیف با شوهرش نزاع کرده بوده بسج جامع رفته در سرفه مرحوم ملا محمد باقر زیباک خورده و خود را کشته بود شوهرش که این فتنه را شنیده به اسپهبد مسجد آمده زن خود را بان حالت متونی یافت او هم فی الفور زیباک زیاد خورده در روی جنازه همان ضعیف مرده بود

از اتفاقات غریبه کاشی جای دنیا دیده شده است از جمله در روزنامه نوشته اند که گاه می آید تن بوده و وضع مجلس می شده صاحب تو هم سنگ مبادا کا و پیرد بخش نموده لشک را که شکاف بود کوسا پرون آمده که دو سرداشتی یکی بزرگتر و دیگری فی انجمله که چکتر تا کرون که چسبیده است و تا بوده و دست و پا و سینه و شکم موافق فاعده یکی و دوم باز دو تا سه روز از دو حام خلق پادشاهی اومی شده پس از آن داکتر شایسته حکیم صاحب فرنگی که نکرده است علیه ایران و متوقف شهرت شده است

کوسا را که فرنگی تشریح نماید ولان در نزد اوست و مشغول تشریح آن است در ماه گذشته در پشته اتلی طغنی در خواب دیده باری آبی سینه او بخواب طفل که پیدار شده اند بیدار در روی سینه خود از زهرل و شش مرده است

۱۰۱

Handwritten note in the left margin.

Handwritten note at the bottom left corner.

احوال متفرقه

درین روزها در کنار محک انگلیس طوفانی در دریای آنجا مخصوص سمت  
شمال آنولایت شده است سه عدو کشتی کوچک ماهی گیری از قصبه کنار  
دریا با آنجا بجهت ماهی گیری رفته بودند در دریا بودند که ناگاه طوفان شد  
زود اسباب و چنگال ماهی گیری خود را برداشته و گریختند با موج چنان  
زود بالا آمد که وقتیکه یکبار نزدیک شدند سلامت بیرون آمدن  
برای کشتیها مشکل شد اما اکثرشان همان قصبه و بعضی نیم فرسخ دورتر  
از آنجا بیرون آمدند چونکه نزدیک کنار دریا امواج تند تر و ضرس  
زیادتر است کشتی از آنها وقتیکه نزدیک کنار رسیده بود  
کشتی اول که جلو بود در روز شش کشتی دوم که نشسته و در آنجا  
رسید تا اهل کشتی دوم دیدند که اهل کشتی اول غرق شوند کشتی را  
دوباره میان امواج زنده رفته از اهل آن کشتی اول از آب در آورند  
و یکی دیگر را هم گرفته بودند و چون استند میان کشتی کشند که ناگاه موج  
پرزور عقب کشتی دوم خورده مانند اینکه مرغابی آب فرو برد و  
بزرگ آب فرو برد و بجهت است که بسیاری از کشتیهای انگلیس شناگر  
دست ندارند و نرفتند آنجا که در میان آب فرو رفته هلاک شدند  
با اینکه آنقدر خشکی نزدیک بودند که ضعیف که در خشکی بود و پس از آن  
آب تا که میان آب رفت که پس خود بیرون بیارند اما سبب زود  
و تشه امواج توانست در میان این قصبه هم کنار دریا آمده بودند  
کشتی دیگر در عقب مانده بودند و قصبه نزدیک کنار رسیدند  
در آنجا که امواج پر زور بود و کشتی سلامت در آمدند و کشتی هم  
وارد شدند و هر کس که در میانش بود آب فرو رفتند  
و آن دو کشتی که سلامت گذشتند بودند باز میان امواج زنده و نرفتند  
از کشتیها تا سلامت از آب بیرون آوردند و باقی که در میان کشتی  
ستم بودند یکی غرق شدند و مردی که در آنجا بودند از جلادت میان

کشتیها تا بجهت استند که با وجود اینکه میدیدند که کشتی در میان آب  
چگونه غرق میشود باز با کمال جرئت بی پروائی بجهت خلاصی غرق شدند  
کشتی میان امواج میرفتند که هم کاران خود را از آب بیرون بیارند  
در روی آفتاب مکرر دیده شده است که گاه گاه کشتیهای پیدا  
منجین بنور سبب لکه از انقباض اندامها که میکنند که قتل کنند  
لکه با در روی آفتاب پیدا میشود در وقت هوا بیشتر و خشک تر میشود  
در اول بهار نوشته اند که لکه بزرگ در روی آفتاب بود چنانکه  
بی دور بین بایک پارچه شیشه که بدو چراغ سیاه کرده بودند  
بنظری آمد و در وقتیکه هوا بخار داشت که شعاع آفتاب چشم را  
نیز در بی شیشه و دور بین دیده میشد  
در رستمان که شش چند سیاح فرانسه در شامات سفر کرده اند  
در دریای مرده که بحالیت میمانند که نزدیک باور شایم که به  
بیت المقدس مشهور است همیشه شبها در تورات فرنگیها نوشته اند  
که پنج شهر در اینجا در زیر آب مانده است سیاحان مزبور ادعای  
که مقام این شهرها را معلوم کرده اند و چند سال پیش ازین هم سیاحان  
دیگر ازین سخن دنیا با آنجا رفته بودند آنها چنین ادعای میکردند که  
که ما با خدا حق طناب قلاب و اسباب دیگر مقام این شهرها  
پیدا کرده ایم معلوم نموده ایم که شهرهای مزبور در زیر آب اند  
از جزایر سند و بچ که از جمله جزایر بحر محیط معتدل میباشد نوشته اند  
که در یکی از شهرهای آنجا از الواط شویس داشتند که بیایند و مگر کشتی  
و سایر جاهای آنجا را ناخت و غارت نمایند و صحبتی از آنها که کشتی  
عازم گلی فارس بودند گفتگویی در میانشان بود که هرگاه کشتی بیرون  
دیده شود که بیایند غارت نمایند آن شهر زنده است سیاحی خود را زیاد کرده بودند

۱۰۲

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی پنجمین شهر مبارک مطابق سال تنگور شیل ۱۲۶۷

نزدیکت و دویم  
بر کس در طهران طالب نشود  
ازین روز تا محراب باغ  
در دوکان میرتسید کانیلم  
در چشمه میوه



بک نشود و شاه  
سالیان و دوران محراب  
قیمت اعلانات  
بیشتر از سایر شهرهاست  
کثیر هم باشد کثیر از سایر  
پس باشد از سایر شهرها

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی سیایون

سواقی خبر آنکه از اردوی سیایون رسید اعلیحضرت پادشاهی  
در یوم شنبه پست و یکم شعبان از تبریز و جردید از سلطه اصفهان

دارالخلافه طهران

درین ایام که ایام ماه رمضان المبارک و زمان عبادت ال  
سلام است فلما و عباد در ساجد و نما بر بوی غیب و غیب خلق  
بپریش خدایند یگانه و دعا کونی دات اقدس شاهنشاهی ششال  
و بجهت بعضی طایفه سیاهی که در ازمنه سابقه ملاحظه می شد درین عهده  
ایستادن بکلی متروکست و از اهتمام انسانی دولت علیه خلق در  
کمال آسودگی و شکر گذاری سپاس و چنانچه در روزنامه سابقه  
شده بجهت اینکه روزنامه بدو عین کرامی تورات ضعف و عجز  
روزه داران تاثیر نماید تا قریب بظهور مردم در منازل خود با حشر  
مشغول اند و از نظر ناخوشایند بیجا و قیام دارند و از عصر تا غروب  
اقاب بجهت مشغولیت در امازاده زید جنب بازار و کاروانسرای انابک  
که کسب اسباب و نظروف و قطعات چیده اند باد و سست و تفریح  
بشام میرسانند و قرار است که درین ماه از شب تا صبح فراوان  
عبور مردم نباشد و در نزدیکی امازاده زید و چند جای دیگر که

ز باد خواهد شد و اول که گزیده که لازمه نظم است گذاشته  
در منته که گزیده چینه چهری در یکی از صحنهای بزرگ دارالخلافه  
کم شده بعد از نخستین کان کجی بزنی دلاله که با شکار رفت و آمد و مراد  
و گشته در راه آورده و چند روز زنده بیدت زبانی کرد و در تابستان  
بیزد و حشرش فرستاده و جینه نور را سر بر کجاچی صادق سقا با  
و ادو که بجهت نور آب بر آده بهرام سرز آورده و شفاعت  
نمایند بعد از پید شدن جواهرات نوره چون از ابل حرم خانه دیگر  
که سابقا این زن در اینجا کیست سفید بوده بعضی خبرها کم شده و با او  
دارند لذت زن مزبوره به اقا زین العابدین با حیب فرانسوی سپرد  
که بعد از گشت اسباب مسرور حکم دیوانی در باب رجوع جاری شود

در ماه گذشته آنچه عوسی در دارالخلافه طهران شده از تقریر است

محلله و لاجان محلله پالیدان محلله بازار محلله سنگ  
محلله سنگ محلله سنگ  
نرخ اجناس در دارالخلافه طهران از هر محول از زمان و فراوان  
از جمله آنکه درین کرامی تابستان بسیار مطلوب است و سالهای

کران بود حال تجدی فراوان است که در سر کوهها میخیزد و بکن و زدن می  
یک شایع یک پول فروخته میشود و قهیر میسوزانی فوّه دارد که بگرد  
بصرف نماید موبه الله در روز دارد که هر چه یک اول نو بزرگ و بشهری با  
روز دیگر چنان سپارید که تخمین میفرشند کندم فی الجمله تسبیح  
شهرت حسن خوارکی در روز این بسم رسانده بود بعد از آنکه خرمی تازه  
آن و از آنست خوارکی گذشته بود و معلوم شد که کسین بعضی از  
آنجا خرابی جزئی رسانده بوده حال آنکه از اول از آنتر پیشتر است

در باب آب دارانخانه طهران جنابه از چند جا دارد و از یک شهر محلی  
معمول نیست زیرا که اگر همیشه از یک محل باشد زراعت باغات  
آن محل خشک و بی آب میماند چند وقت پیش ازین در شبانه روز  
آب از در بند و بجهت شش که حقایق از قدیم داشتند بشهر آوردند  
و بعد از آن چهار شبانه روز هم از شهر شای آوردند و بجهت ما مبارک  
رمضان بنا بود که از درگاه و این آب سپارند چونکه دیدند آب آنجا کم  
و الله پر زور نیست که بشهر برسد و کفایت کند آب رودخانه  
کلیج را از همان شهر شای بشهر آوردند و بجهت دروازه شمیران بعضی  
مخلفات دیگر آن اطراف از آب سیراب شدند و سایر محلات شهر  
نیز سیراب خوانند کرده و قرار است که آب بجهت و بهر خانه برسد که  
ایناه مبارک است که شهر از غنی و فقیر آب داشته باشند کسی  
تنگی نکند و این جمله سبب شکر گذاری و دعا گوئی فراوان است که  
که در مسایلی بسیار ازین اشخاص از چند آرد در حضرت و شکر

امور ات قویف

سواره افتار ابو اجمعی عالیجاه سلیمان خان سرفراز در روز  
ماه گذشته در اطاق نظام مواجشان را گرفتند که حسب  
روانه اصفهان شوند

در یوم بیت هشتم ماه شعبان سجدت با تمام صیام مغرب انجان  
بعد از آن باشی حکم نظامی دادند که سرباز در راه رمضان المبارک  
از مشقت معاف و مرخص باشند

چون با مورات قشونی و غیره بابت رسیدگی شود و بجهت کرمی  
بود و نصف روزه در روز حرکت شکل بود مغرب انجان مشارالیه قرار  
دادند که روز قشون نظام و غیره روزها را مرخص مشغول استراحت  
و عبادت خود باشند و دو ساعت و نیم از شب گذشته الی  
دو ساعت و نیم به وقت اذان صبح مانده کاری که دارند بخانه  
آید و بکار گذاران دیوانی عرض نمایند و بصورت بند و بجهت  
وارداد و اینکه سایر مردم سجاها و مساجد عبور و مرور دارند  
قدغن شد که سربازهای فراول خانهای شهرت احسم کسی نتواند  
حسم از آنکه با فانوس باشد یا بی فانوس هر کسی که هرگز و شتر است  
داشته باشد

سایر ولایات

از خوارکی از تبریز نوشته بودند در بیت و چهارم ماه حبس  
سلاسه سرک آمده بوده است تی که در بعضی ولایات آنجا حاصل را  
باید تلف کرده است از آنجمله در قریه خسرو و جنس خالی کرده است  
که هیچ محصول نمانده و مالی در عابای آنجا با سلطنت تبریز آمده  
بوده اند که به لواب حشمت الله در عرض نمایند و در اردوی هم  
مگر که آمده بوده است خرابی زیاد از خوارکی که فرستاده بودند  
بوده است

از خوارکی از مازندران نوشته اند اسال باران در آنجا مثل سال نمانده

۲۲